

«پیام ما» ابعاد مختلف **شایعه دفن اورانیوم غنی شده** در مراکز تاریخی را بررسی می کند

میراث جهانی اصفهان دستمایه شایعه سازان

سناریوهایی از این دست اگرچه در ظاهر ساده به نظر می رسند اما در لایه های زیرین خود به دنبال القای این ذهنیت هستند که حتی میراث جهانی ایران می تواند در پروتجهای مشکوک مورد استفاده قرار گیرد؛ ذهنیتی که با تکرار آن در افکار عمومی جهانی، می تواند آسیب های جدی به صنعت گردشگری و جایگاه فرهنگی ایران وارد کند

۲

روایت اضطراب های پنهان پس از تجربه جنگ ۱۲ روزه، در گفت و گو با «پیروین میرعنایت»

فقط یک ماه برای بازسازی روان وقت دارید

۶

روایتی از حفظ آثار موزه ها در روزهای جنگ ایران و عراق

صیانت از «جان اشیاء» در موشک باران تهران

۴

قانون اقلیمی جدید امارات؛ زنگ هشدار برای ایران

رقابت بر مدیریت مخاطرات اقلیمی

۵

یادداشت

از تلخی های جنگ تا امید آشتی

روایتی از رنج و مقاومت

۶

احسین معتمدنیا |
فعال فرهنگی

نگاه کارشناس

جنگ و ضرورت مبارزه برای شهر

محمدکریم آسایش |
کنشگر و پژوهشگر شهری

نقد

جنگ؛ پایان تاب آوری محیط زیست

نازنین ناصری |
دانشجوی دکتری محیط زیست

گزارش

صحنه تجلی وحدت در بدرقه شهدای اقتدار

وداع ملی در تهران

ایپام ما! پس از حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به خاک ایران و آغاز جنگ ۱۲ روزه، پایتخت ایران صحنه یکی از گسترده ترین آیین های مردمی در تاریخ معاصر شد. صبح دیروز دهها هزار نفر از مردم تهران و دیگر شهرهای کشور از میدان انقلاب تا میدان آزادی، در مسیر تشییع پیکرهای ۶۰ شهید «اقتدار ملی» حضور یافتند؛ مراسمی که با مشارکت اقشار مختلف، شخصیت های سیاسی، فرهنگی، نظامی و دولتی، شکوهی خاص به خود گرفت.

این آیین، تنها یک مراسم بدرقه نبود، بلکه نماد پervasلایت همبستگی ملی در برابر تجاوز و تروریسم محسوب شد؛ پاسخی مردمی به حملات گستاخانه رژیم صهیونیستی که طی روزهای گذشته با پایداری ارتش و مقاومت مردمی مهار شد.

رئیس جمهور: صدای وحدت مردم ایران جهانی شد

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، در آغاز مراسم تشییع در میدان انقلاب حضور یافت و در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «از صمیم قلب از مردم عزیز سیاسازگارم، با عشق، شهدای وطن را بدرقه کردید و صدای وحدت مان به گوش جهان رسید.»

او با اشاره به آموزه های عاشورایی ملت ایران افزود: «ما از حسین علی (ع) آموخته ایم که تن به دلت ندیم و در برابر ظلم، سر خم نکنیم. خدمت به چنین ملت آزاد و بالیامانی، افتخار زندگی من است. تا همیشه ایران.»

این اظهارات بازتاب روشنی از پیام ملت ایران به جهانیان بود؛ پیامی برخاسته از عمق هویت تاریخی و اعتقادی ملتی که در میانه بحران نیز صدای مقاومتش خاموش نمی شود. عراقچی: ملت ایران تسلیم نشد، عزت را نفروخت

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، نیز در واکنش به این مراسم با انتشار پستی در اینستاگرام نوشت: «تاریخ خواهد نوشت: ایرانیان، خون دادند، خاک ندادند؛ جگرگوشه دادند، عزت ندادند؛ زیر بار بمبهای چندهزار تنی ایستادند، اما تسلیم نشدند.» او افزود: «اگرچه فقدان شهدا جانسوز است، اما راه و یادشان در دل های بیدار باقی می ماند. سلهایی آگاه و بالیامان، ادامه دهنده مسیر پرافتخار آنان خواهند بود. تأسیسات و بناها بازسازی می شوند، اما غرور ملی جایگزینی ندارد.»

عراقچی همچنین این روزها را «نگینی بر تارک ایستادگی» خواند و نوشت: «ایران، وطن من، با واژه تسلیم بیگانه است. فریاد «هیبت من الله» در محرم امسال از همیشه رساتر طنین انداخته است.»

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در بیانیه ای رسمی ضمن تسلیت به خانواده های شهدا و ملت ایران، تأکید کرد که مراسم تشییع شهدای اقتدار ملی، تنها آیینی برای وداع نبود بلکه نمایش قدرتمندی از انسجام ملی بود.

در این پیام آمده است: «مردم بزرگ ایران، در روزی گردخورد با خاطر عاشورا، با حضوری پرشور، پیکرهای مطهر فرزندان خود را تشییع کردند؛ زن و مرد، پیر و جوان،

روزنامه

سایه ما

سال بیستویکم | شماره پیاپی ۳۱۶۱ | یکشنبه ۸ تیرماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان

www.payamemal.ir

شعر چگونه چهره پنهان جنگ را آشکار می کند؟

ما رفتگان، با برف و بوران باز می گردیم

۸



«پیام ما» از نخستین مواجهه تهرانی ها با شهرشان می گوید

بازگشت به خانه در بیم و امید

نگاه کارشناس

جنگ و ضرورت مبارزه برای شهر

دلیل این پرسش این بود که هدف باهمستان «دفاع و پیگیری حقوق و منافع گروه های به حاشیه رانده شده در فرآیندهای شهری» تعریف شده و اکنون این سؤال مطرح بود که ما در میانه خشن ترین شکل طرد به حاشیه رانده شده ها چه ارتباط و نسبتی با گروه هدفمان داریم؟ این پرسش در شرایطی بود که ما حدود ۴ سال بود کارگروهی محلی در یکی از محروم ترین محلات شهر تهران داشتیم: محله زهتابی در منطقه ۱۷.

اسفند ۱۳۹۸ مجله حوالی آمد تا برایمان از «ما و فضای اطرافمان» بگوید و اکنون قرار است که پس از ۴ سال با شماره ویژه «زیرزمین» از زیرزمین بیرون بیاید و قرار بود ۳۰ خرداد امسال اگر جنگ رخ نمی داد مراسم رونمایی اش را برگزار کند، چنانچه چندی قبل و کمی قبل از جنگ ۱۲ روزه، گروه «Anthro» در «در جستجوی فضاهای از دست رفته» را برای یادآوری خاطرات و دل بستگی به شهر برگزار کرد و پیش از آن «بهران من... در تهران فراخوانی بود در سال ۱۳۹۵ با این قالب: «شما امروز در شهر با چه مشکلی مواجه شدید؟ بگنید و ما برای ما بفرستید» و #گذر بهتر یک فعالیت میدانی در سال ۱۳۹۷ در خیابان فلسطین برای گزارش مشکلات یاده رو به ۱۳۷ بود همراه با ارائه یک چک لیست تصویری برای مناسب سازی

پایه ها به مردم به صورت یک فراخوان. سال ۱۳۹۳ در گفتگوهایمان در مجمع حق بر شهر باهمستان، ایده های مطرح شد به نام AA(Activism Addict) (معتاد به کنشگری) که مضمونش این بود که هرکس از کنشگری اش برای شهر در پیرامون محل زندگی یا محل کارش روایت کند. این ایده البته آن زمان چندان به مرحله اجرا نرسید اما بعدها در قالب هایی چون #بهران من... در تهران و #گذر بهتر به نحوی دنبال شد. #بهران من... در تهران فراخوانی بود در سال ۱۳۹۵ با این قالب: «شما امروز در شهر با چه مشکلی مواجه شدید؟ بگنید و ما برای ما بفرستید» و #گذر بهتر یک فعالیت میدانی در سال ۱۳۹۷ در خیابان فلسطین برای گزارش مشکلات یاده رو به ۱۳۷ بود همراه با ارائه یک چک لیست تصویری برای مناسب سازی

پایه ها به مردم به صورت یک فراخوان. سال ۱۳۹۳ در گفتگوهایمان در مجمع حق بر شهر باهمستان مطرح شد که «ما کجا بودیم؟»،



محمدکریم آسایش |
کنشگر و پژوهشگر شهری

سال ۱۳۹۳ در گفتگوهایمان در مجمع حق بر شهر باهمستان، ایده های مطرح شد به نام AA(Activism Addict) (معتاد به کنشگری) که مضمونش این بود که هرکس از کنشگری اش برای شهر در پیرامون محل زندگی یا محل کارش روایت کند. این ایده البته آن زمان چندان به مرحله اجرا نرسید اما بعدها در قالب هایی چون #بهران من... در تهران و #گذر بهتر به نحوی دنبال شد. #بهران من... در تهران فراخوانی بود در سال ۱۳۹۵ با این قالب: «شما امروز در شهر با چه مشکلی مواجه شدید؟ بگنید و ما برای ما بفرستید» و #گذر بهتر یک فعالیت میدانی در سال ۱۳۹۷ در خیابان فلسطین برای گزارش مشکلات یاده رو به ۱۳۷ بود همراه با ارائه یک چک لیست تصویری برای مناسب سازی

پایه ها به مردم به صورت یک فراخوان. سال ۱۳۹۳ در گفتگوهایمان در مجمع حق بر شهر باهمستان مطرح شد که «ما کجا بودیم؟»،

پایه ها به مردم به صورت یک فراخوان. سال ۱۳۹۳ در گفتگوهایمان در مجمع حق بر شهر باهمستان مطرح شد که «ما کجا بودیم؟»،

خبر

گزارش سخنگوی دولت از جنگ ۱۲ روزه

تا این لحظه، ۷۲ شهید زن و کودک داریم

سخنگوی دولت از شهادت ۷۲ زن و کودک، از جمله چهار مادر باردار، در جریان جنگ ۱۲ روزه خبر داد و اعلام کرد بیمارستان کرمانشاه به طور مستقیم هدف قرار گرفته و در مجموع، ۷ بیمارستان، ۱۱ آمبولانس و ۶ پایگاه سلامت در سراسر کشور آسیب دیده اند. فاطمه مهاجرانی، امروز (شنبه) در گفتگویی تلویزیونی، بر اساس گزارش وزارت بهداشت گفت: «متأسفانه تا این لحظه، ۷۲ شهید زن و کودک داریم، از جمله چهار مادر باردار که به همراه جنین خود به شهادت رسیدند. شماری از شهدای ما از کادر درمان، امدادگران و نیروهای بهداشت و درمان بودند. همچنین در این مدت، بیش از هزار عمل جراحی انجام شد و مراکز درمانی، همزمان با پذیرش بیش از ۴ هزار مجروح، پاسخگوی بیماران عادی نیز بودند.»

او همچنین درباره توزیع کالاهای اساسی در کشور چنین آماری داد: «وزارت جهاد کشاورزی نقش مؤثری در تأمین کالاهای اساسی در استان های مختلف، به ویژه تهران و استان های پرتردد، ایفا کرد و در مجموع، طی ۱۲ روز جنگ، ۶۱۱ هزار تن کالای اساسی از جمله برنج،

مرغ، گوشت، شکر، روغن، آرد و تخم مرغ در سراسر کشور توزیع شد. همچنین تخلیه حدود یک میلیون تن کالای وارداتی در بنادر انجام گرفت که بخش عمده ای از آن، کالاهای مصرفی مردم بود.»

او همچنین درباره توزیع کالاهای اساسی در کشور چنین آماری داد: «وزارت جهاد کشاورزی نقش مؤثری در تأمین کالاهای اساسی در استان های مختلف، به ویژه تهران و استان های پرتردد، ایفا کرد و در مجموع، طی ۱۲ روز جنگ، ۶۱۱ هزار تن کالای اساسی از جمله برنج،

پیگیری امور را با جدیت ادامه دهند. همچنین کارگروه های مختلف گزارشی از عملکرد خود ارائه دادند.

مهاجرانی با اشاره به گزارش کارگروه امور زیربنایی گزارشی درباره نحوه ورود وزارت نفت به موضوع سوخت تأکید کرد که با افزایش سهمیه جایگاهها، مشکل صف های طولانی بنزین کاهش یافته است. او همچنین با اشاره به گزارش وزارت راه و شهرسازی گفت: «این گزارشی درباره تسهیل جابجایی مسافران، ورود حجاج، انتقال کالاهایی که در بنادر دیو شده بودند و هماهنگی با گمرکات بود. طبق این گزارش، نزدیک به یک میلیون تن کالا در این مدت جابه جا شد.» طبق توضیح سخنگوی دولت، بانک مرکزی در زمینه تخصیص ارز فعال بود و وزارت نیرو نیز در پایداری شبکه آب و برق، حتی در مناطقی که مستقیماً مورد حمله یا آسیب غیرمستقیم قرار گرفتند، با سرعت وارد عمل شد و اقدامات ترمیمی انجام داد.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز با تلاش شبانه روزی، پایداری شبکه های مخابراتی و اینترنتی کشور را حفظ کرد.

او با این گفته ها ادامه داد: «جای دارد از تمامی فعالان این حوزه، به ویژه در استان های که با تردد و حضور بیشتر مسافران روبرو بودند، و همچنین از مردم این استان ها برای مهمان نوازی و خلق قاب های زیبای همبستگی، قدر دانی شود.»



ایران (۱۶)

«پیام ما» ابعاد مختلف شایعه دفن اورانیوم غنی‌شده در مراکز تاریخی را بررسی می‌کند

میراث جهانی اصفهان دستمایه شایعه‌سازان

در سال‌های اخیر، کارزارهای رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، شکلی پیچیده‌تر و چندلایه‌تر به خود گرفته است؛ به‌گونه‌ای که علاوه بر فضاسازی‌های سیاسی و اقتصادی، هویت تاریخی و میراث فرهنگی کشورمان نیز آماج شایعه‌سازی‌ها و عملیات روانی قرار گرفته است. تازه‌ترین نمونه از این رویکرد از آن‌جا آغاز شد که برخی رسانه‌های معاند با انتشار بخشی از مصاحبه قدیمی رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مدعی شدند که ایران اورانیوم غنی‌شده خود را در بناهای تاریخی اصفهان پنهان کرده است؛ در حالی که اصل این مصاحبه مربوط به سال ۲۰۲۴ میلادی است و در آن، گروسی صرفاً به‌طور فرضی درباره امکان چنین سناریویی صحبت کرده بود و هیچ‌گاه چنین ادعایی را تأیید نکرد.



کورش دیباج |

روزنامه‌نگار |

بازی رسانه‌های معاند با هویت تاریخی ایران

شهر اصفهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای تاریخی جهان، جایگاهی بی‌بدیل در حافظه فرهنگی بشریت دارد. میدان نقش جهان، مسجد شیخ لطف‌الله، پل‌های تاریخی، مناره‌ها و کاخ‌های صفوی، همگی به‌عنوان نشانه‌های تمدنی ایران در حافظه جهانی ثبت شده‌اند. این آثار، نعتها دارایی‌های ملت ایران هستند بلکه بخشی از میراث مشترک بشریت به شمار می‌روند. حال چگونه ممکن است که چنین مکان‌هایی به‌عنوان مرکزی برای نگهداری اورانیوم این‌شده مطرح شوند؟ اساس این ادعا نعتها غیرمنطقی و غیرعلمی است، بلکه گواه دیگری بر استمرار پروژه «شبه‌افتکنی هدفمند» علیه ایران است. رسانه‌های معاند با بهره‌گیری از یک مصاحبه قدیمی و تحریف‌شده، تلاش کرده‌اند با پیوند زدن موضوعات غیر مرتبط هم اعتماد جهانی به میراث فرهنگی ایران را خدشه‌دار کنند و هم خوراک جدیدی برای جنگ شناختی خود فراهم آورند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رسانه‌های معاند با بازنشر گزینشی این مصاحبه، تلاش کرده‌اند با القای مطالب ناردرست، ذهنیت افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهند و به میراث فرهنگی ایران نیز خدشه وارد کنند. کارشناسان حوزه رسانه معتقدند که این دست از اقدامات، نمونه



چنین سناریوهایی اگرچه در ظاهر ساده به نظر می‌رسند اما در لایه‌های زیرین خود به‌دنبال القای این ذهنیت هستند که حتی میراث جهانی ایران می‌تواند در پروژه‌های مشکوک مورد استفاده قرار گیرد ذهنیتی که با تکرار آن در افکار عمومی جهانی، می‌تواند آسیب‌های جدی به صنعت گردشگری و جایگاه فرهنگی ایران وارد کند

گزارش

بازخوانی یک شایعه

ادعایی که از اساس پوچ بود

اظهار بی‌اطلاعی کرد. نکته اینجا بود که گروسی در شبکه فاکس نیوز و در پاسخ به سوال «مارتا مک‌کالوم» مجری برنامه درباره اظهاراتی که مدعی شده حدود ۹۰۰ پوند اورانیوم احتمالاً غنی‌شده به یک سایت باستانی نزدیک اصفهان منتقل شده است، گفت: «باید خیلی دقیق باشم، مارتا ما آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستیم، پس نمی‌توانیم بر اساس حدس و گمان حرف بزنیم. ما اطلاعاتی درباره محل اورانیوم غنی شده ایران نداریم.» او گفت مقامات ایران به او گفته‌اند که در حال اتخاذ تدابیر حفاظتی هستند که ممکن است شامل جابجایی این ماده باشد یا نباشد: «پس طبیعی است که شما درباره این موضوع از من سوال می‌کنید، یعنی سوال این است: این ماده کجاست؟ پاسخ این سوال را زمانی می‌توان داد که فعالیت‌های بازرسی هر چه سریع‌تر از سر گرفته شود. و فکر می‌کنم این به نفع همه خواهد بود.» البته این اظهارات او پیش از آن بود که مجلس کلیات و جزئیات «طرح تعلیق همکاری‌ها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» را تصویب کند. گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)، در گفت‌وگو با فاکس نیوز تأکید کرده اورانیوم غنی‌شده ایران پس از حملات نظامی آمریکا قابل ردیابی نیست. مقامات ایرانی هم بارها اعلام کرده‌اند پیش از حملات آن را جابجا کرده‌اند اما سوال «اورانیوم غنی شده ایران کجاست؟» همچنان برای افکار بین‌المللی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بی‌پاسخ مانده است.

همین بخش کوتاه از سوال مجری برنامه از گروسی درباره ادعای مطرح شده در مورد ادعای قرار گرفتن اورانیوم در یک

آشکار جنگ شناختی است که هدف آن ایجاد التهاب اجتماعی و بین‌المللی است.

ف سوءاستفاده رسانه‌ای از هویت تاریخی اصفهان

«مینا جلالی» کارشناس برجسته حوزه میراث فرهنگی در گفت‌وگو با «پیام ما» با اشاره به سوءاستفاده رسانه‌ای از هویت تاریخی اصفهان تأکید می‌کند: «متأسفانه در سال‌های اخیر، دشمنان ایران علاوه بر هجمه‌های سیاسی و اقتصادی، تمرکز ویژه‌ای بر تخریب تصویر فرهنگی و تاریخی ایران داشته‌اند. بازنشر شایعه‌ای که به آثار تاریخی اصفهان گره خورده است، نه از سر ذغغه جهانی برای میراث بشری، بلکه یک ابزار برای فشار رسانه‌ای به کشورمان است.»

به اعتقاد او: «آثار تاریخی اصفهان متعلق به ملت ایران و تمام بشریت است و چنین ادعاهای ساختگی که بدون سند و از منابع غیرموقف منتشر می‌شوند، در حقیقت بی‌احترامی آشکار به تاریخ، فرهنگ و میراث جهانی هستند.»

این کارشناس حوزه میراث فرهنگی بر این باور است: «این نخصتین‌بار نیست که با وارونه‌نمایی واقعیت‌ها، تلاش می‌شود از جایگاه جهانی اصفهان به‌عنوان شهر ثبت شده در یونسکو، برای تحت فشار قرار دادن ایران

ف هویت تاریخی اصفهان ابزار جنگ رسانه‌ای

«علی توسلی» مرمتگر بناهای تاریخی و مدرس دانشگاه به «پیام ما» می‌گوید: «سوءاستفاده از تاریخ و میراث فرهنگی در بازی‌های رسانه‌ای موضوع تازه‌ای نیست، اما آنچه در این پرونده جلب توجه می‌کند، پیچیدگی تاکتییک رسانه‌ای است؛ جایی که دشمن نه از زاویه‌ای صرفاً سیاسی بلکه با استفاده از جایگاه فرهنگی ایران سعی در تحریف واقعیت دارد. به‌عبارت دیگر، هدف نه صرفاً تخریب برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، بلکه مخدوش کردن چهره جهانی اصفهان به‌عنوان یک مرکز مهم گردشگری، فرهنگی و تاریخی است.»

او معتقد است: «چنین سناریوهایی اگرچه در ظاهر ساده به نظر می‌رسند اما در لایه‌های زیرین خود به‌دنبال القای این ذهنیت هستند که حتی میراث جهانی ایران می‌تواند در پروژه‌های مشکوک مورد استفاده قرار گیرد؛ ذهنیتی که با تکرار آن در افکار عمومی جهانی، می‌تواند آسیب‌های جدی به صنعت گردشگری و جایگاه فرهنگی ایران وارد کند.»

این مرمتگر بناهای تاریخی تأکید می‌کند: «میراث فرهنگی هر کشور، فراتر از مرزهای جغرافیایی آن کشور، متعلق به هویت بشری است. آثار تاریخی اصفهان، چه در یونسکو و چه در حافظه جهانی، جزو سرمایه‌های گران‌بهای ملت ایران و بشریت محسوب می‌شوند. حمله به این آثار در قالب شایعه، صرفاً یک دروغ رسانه‌ای نیست؛ بلکه یک تهاجم نرم علیه هویت و تاریخ ماست. بی‌تردید، همان‌گونه که جمهوری اسلامی ایران بارها بر صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای خود تأکید کرده و همکاری‌های شفاف با نهادهای بین‌المللی داشته است، دفاع از میراث فرهنگی کشور نیز جزو اولویت‌های انکارناپذیر ماست. در چنین شرایطی، صیانت از این میراث نه‌فقط وظیفه نهادهای تخصصی بلکه مسئولیت ملی همگان است.»

ف ضرورت حفظ امنیت روانی جامعه در قبال جنگ شناختی

«مریم مقدسی» مدرس دانشگاه و کارشناس سواد رسانه‌ای در این‌باره با تأکید بر اهمیت حفظ امنیت روانی جامعه، به «پیام ما» می‌گوید: «توسعه جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به شکل پیچیده و هدفمندی دنبال می‌شود و بازنشر شایعاتی از این دست با هدف تخریب اعتماد عمومی و آسیب زدن به امنیت روانی مردم صورت می‌گیرد. طرح ادعاهای غیر مستند درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران به بهانه آثار تاریخی، یکی از ابزارهای نخب‌نمای دشمن برای ایجاد تردید و نگرانی در میان مردم است.»

به باور او: «هدف اصلی این عملیات رسانه‌ای، القای ناامنی، بی‌اعتمادی و ایجاد دوگانه کاذب میان پیشرفت علمی و حفاظت از میراث فرهنگی است. در حالی‌که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از استانداردهای جهانی در هر دو حوزه با قدرت پیش می‌رود و در این زمینه شفاف‌ترین همکاری‌ها را با نهادهای بین‌المللی داشته است.» این کارشناس سواد رسانه‌ای تأکید دارد: «ضروری است که رسانه‌های داخلی و همچنین کاربران فضای مجازی با هوشیاری بالا، در دام این فضاسازی‌های ساختگی قرار نگیرند و با پرریز از بازنشر شایعات، در تقویت جبهه رسانه‌ای کشور ایفای نقش کنند.»

ف هشدار نسبت به بازنشر شایعات

«رضا صالحی» متخصص حوزه رسانه نیز در این خصوص در می‌گوید: «فضای مجازی بستری برای انتقال سریع اخبار است اما کاربران باید در مواجهه با مطالب غیررسمی و شایعات منتشر شده در آن، دقت لازم را داشته باشند. بازنشر اخباری که فاقد منبع معتبر هستند می‌تواند ناآگاهانه در پازل دشمنان ایران قرار گیرد. وظیفه رسانه‌های داخلی و کاربران فضای مجازی در چنین شرایطی ارتقاء سواد رسانه‌ای است. توجه به صحت اخبار و عدم بازنشر اخبار ناردرست، در شرایط حساس کنونی کشور، مهم باید هوشیار باشند که ناخوسته در زمین رسانه‌های معاند بازی نکنند.»

ف هوشیاری، کلید صیانت از میراث

امروز بیش از همیشه، حفظ آرامش روانی جامعه و جلوگیری از بازنشر شایعات هدفمند اهمیت دارد. هر بازنشر ناآگاهانه این دست اخبار، می‌تواند در امتداد همان تهاجمی باشد که هویت تاریخی ایران را نشانه گرفته است. ما موظفیم با شناخت دقیق از ابزارهای جنگ نرم و توجه به جایگاه میراث فرهنگی، اجازه ندیم سناریوهای تحریف‌شده، آینده تاریخی و فرهنگی کشورمان را تحت تأثیر قرار دهد. حفاظت از آثار تاریخی ایران، نه‌فقط صیانت از گذشته، که پاسداشت هویت ملی برای نسل‌های آینده است.



| سال بیست و یکم | شماره پیاپی ۳۱۶۱ | یکشنبه ۸ تیر۱۴۰۴ |

یادداشت

شایعه‌سازی علیه میراث فرهنگی

حمله به حافظه تاریخی ایران

| کورش دیباج |

ا روزنامه‌نگار |

ایران سرزمینی است که ستون‌های هویتش بر تاریخ، فرهنگ و تمدنی هزاران‌ساله استوار شده است. آثار تاریخی این کشور، نه‌فقط بناهایی از جنس آجر و سنگ، بلکه قطعاتی از هویت یک ملت‌اند؛ گواهی زنده از شکوه فرهنگی ایران که امروز همچنان در چشم جهانیان می‌درخشند. اما در سال‌های اخیر، میراث فرهنگی ما به‌جای آنکه صرفاً محملی برای تحسین جهانیان باشد، به یکی از محورهای جنگ نرم و هدف حملات رسانه‌ای دشمنان ایران تبدیل شده است. تازه‌ترین حلقه این زنجیره، بازنشر گسترده شایعه‌ای است که طی روز گذشته در فضای مجازی به‌سرعت پخش شده است؛ شایعه‌ای که مدعی است ایران اورانیوم غنی‌شده خود را در زیر بناهای تاریخی اصفهان پنهان کرده است!

این خبر که به استناد مصاحبه‌ای قدیمی از رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازنشر شده، در واقع تحریفی آشکار از واقعیت است. اصل مصاحبه به سال ۲۰۲۴ بازمی‌گردد؛ زمانی که یکی از خبرنگاران خارجی در قالب یک پرسش کاملاً فرضی از گروسی می‌پرسد: «آیا امکان دارد ایران اورانیوم غنی‌شده خود را در زیر آثار تاریخی پنهان کند؟» از این سوال فرضی، اکنون توسط برخی رسانه‌های معاند به شکل یک خبر قطعی و ادعای مستند بازنشر شده است.

ساده‌لوحانه است اگر تصور کنیم هدف از این شایعه صرفاً تخریب برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران است؛ موضوع بسیار فراتر از این است. این یک حمله نرم به هویت فرهنگی ماست؛ تلاشی حساب‌شده برای تضعیف جایگاه میراث جهانی ایران، به‌ویژه شهر اصفهان.

اصفهان؛ چرا هدف قرار گرفت؟

اصفهان یک نام ساده نیست. اصفهان برای ایرانیان، مظهر تمدن است و برای جهانیان، موزه‌ای زنده از تاریخ. آثار تاریخی این شهر نعتها به‌عنوان سرمایه ملی، بلکه به‌عنوان میراث بشریت در فهرست یونسکو ثبت شده‌اند. انتخاب اصفهان به‌عنوان سوزنه این شایعه کاملاً هدفمند است؛ زیرا اصفهان به‌طور ویژه در نگاه جهانی، شهری امن، فرهنگی و مورد احترام است. دشمنان ایران به‌خوبی می‌دانند که اگر بتوانند این تصویر مثبت را با شبهه و شایعه مخدوش کنند، نه‌فقط به افکار عمومی جهانی، بلکه به صنعت گردشگری و اعتماد فرهنگی به ایران ضربه خواهند زد.

این ترغند تازه نیست. در سال‌های گذشته هم بارها تلاش شده تا از مسیر روایت‌های امنیتی و رسانه‌ای، ذهنیت جهانی نسبت به اصفهان و دیگر شهرهای میراثی ایران تحت‌الشعاع قرار گیرد. شایعه پنهان‌سازی اورانیوم در زیر آثار تاریخی، ادامه همان پروژه تحریف است؛ پروژه‌ای که به‌دنبال آن است تا هویت فرهنگی ما را به ابزاری برای فشار سیاسی بدل کند.

اهمیت میراث فرهنگی در جنگ نرم

یکی از ابعاد کمتر شناخته‌شده جنگ رسانه‌ای، تمرکز بر نقاط نرم تمدن‌هاست. برخلاف تصور عموم که میراث فرهنگی را حوزه‌ای صرفاً گردشگری می‌دانند، امروز این حوزه به یکی از نقاط اصلی نبردهای رسانه‌ای تبدیل شده است. میراث فرهنگی در نگاه جهانیان، نشانه‌ای از صلح، تمدن و گفت‌وگوست؛ اما دشمنان ایران تلاش می‌کنند همین نشانه‌ها را به محل ابهام و تخریب تبدیل کنند. وقتی یک بنای تاریخی مانند میدان نقش جهان یا مسجد جامع عباسی، در یک شایعه امنیتی مطرح می‌شود، آنچه زیر سوال می‌رود، تنها موضوع هسته‌ای نیست؛ بلکه اصل «اعتماد فرهنگی» به ایران آسیب می‌بیند. این دقیقاً همان چیزی است که طراحان این شایعات به‌دنبال آن هستند. رسالت رسانه‌های داخلی و کارشناسان میراث فرهنگی در چنین فضایی، رسانه‌های داخلی باید نقش فعال و پیش‌پسندسته داشته باشند. صرف تکذیب یک خبر کافی نیست؛ ما نیاز به روایت‌سازی قوی، تحلیل عمیق و مستندسازی شفاف داریم. کارشناسان میراث فرهنگی نیز باید با ورود جدی به این حوزه، با ادبیات تخصصی اما قابل فهم عموم، در رسانه‌ها و فضای عمومی حاضر شوند و با قدرت از جایگاه اصفهان و سایر آثار تاریخی ایران دفاع کنند. ایران از نگاه نهادهای بین‌المللی، یکی از متعهدترین کشورها در حفاظت از آثار جهانی است و همواره در بحران‌ها و شرایط حساس، اثبات کرده که میراث فرهنگی‌اش خط قرمز ملی است. این کارنامه موفق باید به‌درستی برای افکار عمومی بازگو شود.

بازنشر شایعات؛ آسیب به هویت تاریخی ایران

کاربران فضای مجازی باید بدانند که بازنشر چنین شایعاتی، حتی از سر ناآگاهی، می‌تواند آسیب جدی به هویت فرهنگی کشور وارد کند. ما در برابر میراث تاریخی‌مان مسئولیم؛ بازنشر شایعاتی که این میراث را محل تردید معرفی می‌کند، در حقیقت گامی ناخوسته در پازل دشمنان ایران است. میراث فرهنگی ایران تنها یادگار گذشته نیست؛ این میراث، بخشی از قدرت نرم کشور است و یکی از مهم‌ترین دارایی‌های ملی که باید از آن در برابر هجمه‌های رسانه‌ای دفاع کرد.

ضرورت هوشیاری در صیانت از میراث فرهنگی

شایعه‌سازی اخیر درباره پنهان‌سازی اورانیوم در آثار تاریخی اصفهان، تنها یک خبر جعلی نیست؛ این بخشی از پروژه بزرگ‌تری است که می‌خواهد اعتبار فرهنگی و هویت تاریخی ایران را هدف قرار دهد. مقابله با این پروژه، فقط مسئولیت دولت یا نهادهای امنیتی نیست؛ این یک رسالت ملی است که رسانه‌ها، کارشناسان و حتی کاربران عادی فضای مجازی در آن نقش دارند.

ما باید در روایت‌سازی قوی‌تر عمل کنیم، از سواد رسانه‌ای جامعه حمایت کنیم و میراث فرهنگی‌مان را به‌عنوان خط قرمز ملی معرفی کنیم؛ چرا که اگر روایت ما ضعیف باشد، روایت دشمن جایگزین آن خواهد شد. میراث فرهنگی ایران، میراث انسانیت است؛ میراثی که امروز بیش از همیشه، نیازمند هوشیاری و صیانت آگاهانه است.

«پیام ما» از نخستین مواجهه تهرانی‌ها با شهرشان می‌گویند

بازگشت به خانه در بیم وامید

همایون یکی از شهروندان تهران: روزی که تهران را ترک کردم، شهر پر از همهمه و ازدحام ساکنانش بود، وقتی دوباره آن برگشتم نیمه‌فعال یا از وضعیت عادی خارج شده بود



| فاطمه پایاخانی |

| روزنامه‌نگار |

موج بزرگ خروج از شهر از همان روزهای اول به دل تهرانی‌ها افتاد و بسیاری را راهی شمال کرد، دلپیش هم مشخص بود؛ حملات اسرائیل

در نیمه‌شب، حرکت پیهادا و شلیک پدافند در همه محله‌ها، انواع و اقسام خیابهای ضدنویقی، انفجارهای شب اول و کشته شدن غیرنظامیان و تلفات انسانی شب‌های بعد. زندگی در مقصد هم چندان آسان نبود، شلوفی و ازدحام، صف‌های طولانی بنزین و نان و هزار مشکل دیگر. همان روزهای اول مانیا به اصرار برداش و بی‌قراری او در آن‌سوی مرزها، به همراه همسر، خانواده و خواهرش که برای چند روزی به ایران آمده بود، شمال رفت و چند روزی پس از آتش‌بس برگشت. پس از ورود به تهران خیلی زود دریافت که این شهر همان تهرانی نبود که ترک کردند، محله همان محله نبود و خانه همان خانه. «از چند ساختمانی سر خیابان تنها اسکلتی بر جا مانده و پنجره بسیاری دیگر از ساختمان از چارچوب خارج و شیشه‌ها شکسته بود. شیشه‌های سقف لابی مجتمع ما هم فرو ریخته و در تراس هم از موج انفجار باز شده بود.»

از آن شب ورود به تهران تا امروز مانیا همچنان در بهت است، از شهری که در آن زندگی می‌کند و از آن‌چه که پیش آمد و از تفکر و برخورد عجیب برخی دوستان و هموطنانش. او که همیشه عادت به ارسال موسیقی برای دوستانش داشت، این روزها ترجیح می‌دهد کمتر در معرض شبکه‌های اجتماعی باشد و در آرایش بیشتر تا شاید هر چه زودتر بتواند همه آنچه در این دو هفته هم‌چون رعدی سیل‌آسا بارانی از اتفاقات ناگوار و غیرقابل انتظار بر سر او

خبر

آتش به جان بخش عراقی هورالعظیم افتاد

مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان، آتش‌سوزی‌های مستمر در بخش عراقی تالاب هورالعظیم را عامل اصلی آلودگی هوای ۱۱ شهر استان اعلام کرد. محمدجواد اشرفی بیان کرد: آتش‌سوزی‌های متناوب در بخش عراقی تالاب بین‌المللی هورالعظیم در سه تا چهار ماه گذشته، به‌ویژه به دلیل کاهش بارندگی

پیام‌جابه

وارد خراسان شمالی شوم. می‌دانستم این گزینه اصلا شدنی نیست چون ترکمنستان ویزا نمی‌دهد. در نهایت، تصمیم گرفتیم از طریق ترکیه اقدام کنیم و بعد از دو سه روز، موفق شدیم به استانبول برسیم.»

آن روزها بسیاری از پروازها مسی‌رشان را تغییر داده بودند و ساعت‌های پرواز هم مدام جابجا می‌شد چون باید ایران را دور می‌زدند. بالاخره وحید و دوستش عماد توانستند به استانبول برسند. «از استانبول با اتوبوس حدود ۲۷ ساعت در راه بودیم تا به وان برسیم. از آن‌جا هم به مرز رازی رفتم تا وارد ایران شویم. آن روز فقط چهار نفر در حال ورود به ایران بودند که من و عماد دو نفر از این چهار نفر بودیم. در مقابل، جمعیت بزرگی در حال خروج از کشور بود. بسیاری از سفیران و کارکنان سفارت‌ها که نتوانسته بودند هوایی خارج شوند، حالا از مرز رازی خارج می‌شدند. ون‌های سفید یکی پس از دیگری می‌آمدند و کارکنان سفارت‌ها، مخصوصاً سفارت‌های آفریقایی، را سوار می‌کردند.» در کنار سفرایی که در حال خروج بودند او ایرانی‌های زیادی را هم دید که در حال ترک کشور بودند.

«برخی از آنها انگار با عجله وسایل را آماده کرده و با یک یا دو کوله‌پشتی کوچک آمده بودند، این گروه از ایرانی‌ها دنبال وسیله‌ای می‌گشتند تا خودشان را به وان برسانند.» اولین شوک پس از ورود به ایران برای وحید و عماد، شوک قیمت‌ها بود.

«قیمت تاکسی‌ها از مرز به خوبی یا تیریز چند برابر شده بود. راننده‌ها می‌گفتند به خاطر کمبود بنزین و نبود تقاضای همیشگی، حالا‌که این حجم از رفت‌وآمد ایجاد شده، می‌خواهند درآمدی کسب کنند. ما در نهایت خودمان را به تیریز رساندیم و از آن‌جا با اتوبوس به کرج آمدم. چیزی حدود سه روز درگیر بودیم تا به خانه برسیم.» حسی که برای وحید در لحظه ورود وجود داشت، با آن‌چه افریانی‌اش که در تهران و کرج تجربه می‌کردند، متفاوت بود. «آن‌ها بیماران‌ها را از نزدیک حس و ناامنی را با گوشت و پوست لمس کرده بودند. اما من که در خارج از کشور بودم، درکی از آن نداشتم.» همان شب وحید با صدای پدافند و انفجار بیدار شد. روز بعد میدان سپاه کرج را زدند، شب بعد باز صدای انفجار بود و پهباد. «کرج نسبت به تهران تغییرات کمتری داشته. مغازه‌ها و کافه‌ها باز و شلوغند. با این حال می‌توان تغییر در زندگی مردم را باز هم دید. تردد ما در شهر نسبت به قبل بسیار کاهش یافته، به دوستان‌مان در سایر مناطق سر نمی‌زنیم و همه نگران از اینکه چه خواهد شد.»

آخرازمان در تهران

مهدی به همراه همسرش زهرا و چند نفر از دوستانش سفری به گرجستان داشتند. مدت‌ها بود که می‌خواستند این سفر را بروند و بالاخره در روزهای آخر خرداد همه‌چیز جور شد و رفتند. روز اول همه‌چیز خوب بود. روز دوم برنامه پیدامرویشان آغاز شد و حوالی غروب به اقامتگاهشان رسیدند. طبیعت در غایت زیبایی بود و میزبان همه‌چیز را برایشان مهیا کرده بود. به نظر می‌رسید هیچ مشکلی وجود ندارد. «ساعت ۵ صبح با صدای دوستان‌مان در اتاق کناری بیدار شدیم. گفتند جنگ شده. شوکه شدیم، به خانواده‌مان، به خانه‌مان، به وضعیت جدیدمان فکر می‌کردیم.»

با شروع جنگ تماس خانواده هم شروع شد که از آنها می‌خواستند سفرشان را طولانی‌تر کنند. «از همان لحظه شنیدن خبر هزینه‌هایمان را به شدت کاهش دادیم. با وجود اینکه بسیاری از دوستان‌مان گفتند می‌تواند برایمان مبلغی واریز کنند گزینه مختلف برای بازگشت را در نظر گرفتیم.» این گروه ۱۲ نفره در نهایت از گرجستان به سمت ایروان و بعد از یک شب از آنجا به تهران آمدند. «در مجموع حدود ۲ روز و نیم طول کشید از گرجستان به خانه‌مان در تهران برسیم. مرز شلوغ بود، گروهی در حال رفتن و گروه دیگری در حال بازگشتن.»

تهران برای مهدی، زهرا همسرش و سایر دوستانش در لحظه ورود غریبه بود. «شهر وضعیت آخرالزمانی داشت. خیابان‌ها به شکل بی‌سابقه‌ای خلوت بود. به خانه که رسیدیم متوجه شدیم که آسانسور خاموش است و همه از ساختمان رفته‌اند.»

حوالی غروب صدای انفجار و پدافند آمد، مهدی و همسرش گوش‌شان به این صدا آشنا نبود، این پنجره به بیرون نگاه کردند. نور ستوران روبروی خانه نشان می‌داد که آنها تعطیل نکرده‌اند. «دیدن این نور از پنجره به ما این امید را می‌داد که شهر هنوز زنده است. کسانی مانند ما حضور دارند در تهران. تهرانی که خانه ماست.»

۳

روزنامه پیام

نقد

جنگ؛ پایان تاب‌آوری محیط‌زیست



| نازنین ناصری |

| دانشجوی دکتری محیط‌زیست |

در سال‌های اخیر انواع چالش‌ها در حوزه‌های مختلف محیط‌زیست از جمله بحران آب و خشک‌سالی، گرد و غبار و ریزگردهای ناشی از خشک شدن تالاب‌ها و آلودگی هوا سرعت یافت و پررنگ شد که تغییر اساسی در مدیریت محیط‌زیست و رویکردهای آن را می‌طلبد. با روی کار آمدن دولت چهاردهم این چالش‌ها به یکی از اولویتهای مهم سازمان حفاظت محیط‌زیست و دولت تبدیل شد. ورود رئیس‌جمهور به احیای دریاچه ارومیه، بازگشت مرجعیت کنوانسیون تنوع‌زیستی به سازمان حفاظت محیط‌زیست و توجه به نقش مردم در حفاظت از محیط‌زیست گویای شرایط جدید بود و امید می‌رفت که محیط‌زیست ایران جان دوباره بگیرد و نفسی تازه کند.

با حمله رژیم صهیونی به ایران نه تنها مردم و سکونتگاه‌های شهری و روستایی، بلکه اکوسیستم‌های طبیعی و تنوع‌زیستی ما در چهار گوشه کشور دچار خطر شد. همه دلایل ذکر شده از طرف کشور آمریکا و اسرائیل برای حمله به ایران از بین بردن سایت‌های هسته‌ای مربوط به غنی‌سازی اورانیوم ایران است. شاید این روزها افراد در موتور جستجوی گوگل واژه اورانیوم و غنی‌سازی آن را نسبت به گذشته بیشتر جستجو کرده باشند تا اطلاعات بیشتری راجعه به آن کسب کنند. این ماده از زمین(هیدروسفر، لیتوسفر و پدوسفر) استخراج و در بخش‌های نظامی و غیرنظامی کاربرد فراوان دارد. در بخش نظامی می‌توان به تولید بمب هسته‌ای و در بخش غیرنظامی به تولید دارو و سوخت نیروگاه‌ها اشاره کرد.

استفاده از سوخت‌های فسیلی تجدیدناپذیر دلیل اصلی گرمایش جهانی است زیرا بیشترین میزان دی‌اکسیدکربن موجود در هوا ناشی استفاده از این سوخت‌ها است و با توجه به اینکه امروزه با تغییر اقلیم و گرمایش جهانی مواجه هستیم، نیاز است به سمت سوخت‌هایی حرکت کنیم که میزان دی‌اکسیدکربن کمتری را در هوا منتشر می‌کنند. در این میان یکی از راهکارها برای اجتناب از گرمایش جهانی استفاده از انرژی‌های کم کربن مانند اورانیوم غنی شده است که دی‌اکسیدکربن را مستقیم وارد اتمسفر نمی‌کند و به نوعی یک سوخت پاک محسوب می‌شود. اما اگر این فلز به شیوه درست و ایمن استخراج و استفاده نشود، می‌تواند فاجعه‌ای بزرگ در مقیاس محلی و منطقه‌ای ایجاد کند و اثرات جبران‌ناپذیری داشته باشد. پرتوهای اورانیوم غنی‌شده باعث سرطان و جهش ژنتیکی در انسان، از بین رفتن پوشش گیاهی و ایجاد اختلال در چرخه‌های حیاتی جانوران می‌شود. یکی از مشکلات محیط‌زیستی اورانیوم غنی‌شده زباله‌های هسته‌ای آن مانند سوخت مصرفی و باطله‌های آسیاب اورانیوم است که اگر به شیوه ایمن حمل، ذخیره و دفع نشود، تهدیدی جدی برای سلامتی انواع اکوسیستم‌ها و انسان است زیرا که پرتوهای آن هزاران سال خاصیت رادیواکتیو دارند.

کشور آمریکا و اسرائیل به پنهان تولید بمب هسته‌ای، سایت‌های هسته‌ای فردو، نظنز و اضهان آن مورد حمله قرار دادند. موضوع جنگ با هدف قرار دادن تاسیسات هسته‌ای اهمیت بیشتری دارد. زیرا جنگ به خودی خود باعث نابودی اکوسیستم‌ها و کشته‌شدن انسان‌ها می‌شود، از طرفی با هدف فرار دادن این تاسیسات هسته‌ای، به دلیل خاصیت رادیواکتیو اورانیوم، با منتشرشدن ذرات آن در هوا مشکل حادثر خواهد شد. ما در جنگ دو هفته‌ای شاهد از دست دادن هموطنان و از بین رفتن محیط‌زیست کشورمان بودیم. ماهیت این جنگ بیش از چیزی است که تصور می‌شود و سازمان‌های متولی سلامت انسان و محیط‌زیست به آن آگاه هستند.

بنابراین نیاز است که در مجامع بین‌المللی این موضوع از طرف دیپلمات‌های کشور به صورت مجدانه پیگیری شود و صرفاً نباید به گفتگو و مذاکره بسنده کرد. در این میان سازمان حفاظت محیط‌زیست برای حفظ اکوسیستم‌ها و تنوع‌زیستی کشور به دلیل اثرات متفاوت حمله به تاسیسات هسته‌ای بر محیط‌زیست تا فرصت است، در سازمان‌های بین‌المللی پیگیری کند تا شاهد از بین رفتن کامل محیط‌زیست زخمی‌کنور باشیم. چراکه اثرات حمله به سایت‌های هسته‌ای خارج از تاب‌آوری محیط‌زیست این مناطق است.

مساحت ۱۱۹ هزار و ۸۲۷ هکتار، یک‌سوم در ایران و دوسوم در عراق واقع شده و از سال ۱۳۹۹ به‌عنوان منطقه حفاظت‌شده تحت نظارت سازمان محیط زیست ایران قرار دارد. این تالاب که از غرب به رود دجله و از شرق به جلگه‌های خوزستان محدود می‌شود، در نزدیکی شهرهای بستان، سوسنگرد، هویزه و رفیع قرار دارد. اشرفی با تاکید بر ادامه پیگیری‌های دیپلماتیک، ابراز امیدواری کرد که با همکاری طرف عراقی، این بحران زیست‌محیطی کنترل شده و از تداوم آلودگی هوای خوزستان جلوگیری شود./ مهر

مهار بحران خبر داد و گفت: از طریق سازمان حفاظت محیط زیست و استانداری خوزستان، مکاتبات و جلسات متعددی با مقامات عراقی برگزار شده و پیشنهاد استفاده از ظرفیت‌های ایران برای اطفا‌ی حریق مطرح شده است، اما تاکنون پاسخ مکتوبی دریافت نشده است. به گزارش ، به دلیل شدت آلودگی ناشی از آلودی این آتش‌سوزی‌ها، امروز شبه حریق تیرماه، فعالیت ادارات، مراکز آموزشی و دستگاه‌های اجرایی در ۶ شهرستان خوزستان به‌صورت دورکاری انجام شد. تالاب هورالعظیم، بزرگ‌ترین تالاب مرزی ایران با

کمتر است اما این خطر همچنان در برخی نقاط وجود دارد. اشرفی با اشاره به آتش‌سوزی‌های محدود در بخش اشری تالاب بیان کرد: این موارد در ایران سریعاً مهار شده، اما آتش‌سوزی‌های گسترده در عراق عامل اصلی آلودگی هوای استان است. مدیرکل حفاظت محیط زیست خوزستان از تلاش‌های دیپلماتیک برای



روایت هیراث

روایتی از حفظ آثار موزه‌ها در روزهای جنگ ایران و عراق

صیانت از «جان اشیاء» در موشک‌باران تهران

موشک‌باران صدام به تهران رسیده بود. قرار شد همه آثار موجود در بخش‌های موزه ایران باستان به گنجینه منتقل شوند. مکانی که زیر حیات موزه و مرکز باستان‌شناسی از چند سال پیش برای تحویل و نگهداری آثاری که از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست می‌آمد، ساخته شده بود. آن موقع من دیگر در بخش تاریخی و لرستان موزه کار نمی‌کردم.



آرمان میشه‌گرا
 باستان‌شناس |

وقتی بالاخره در سال ۱۳۵۷، استخدام من در مرکز باستان‌شناسی با هزار مصیبت انجام شد، دو سال اول را در بخش تاریخی، مأمور به خدمت شدم. در نخستین روزها، ضمن نوشتن شناسنامه برای آثاری که در این بخش، نگهداری می‌شد در کمدهای بخش به پیش‌شناسنامه‌های قدیمی یا خط گذشتگانی که در این بخش کار کرده بودند، برخوردیم که گویا می‌خواستند آنها را دور بریزند!! و با قیسه‌های جدید جایگزین کنند. با اصرار آنها را که در آن زمان «فیش اشیاء» می‌گفتیم، به‌عنوان «پیشینه بخش» به فیشهای جدید نوشته شده، پیوست کردم. همچنین در تمام این دوسال، مشغول چک کردن آثار فرهنگی این بخش بودیم که آن موقع ما به آنها می‌گفتیم «اشیاء بخش». من و «زری کندری» در بخش اشیاء تاریخی بودیم و «هوشنگ خزاعی» و «حسن رضوی» اشیاء لرستان، رئیس بخش هم آقای «نصرت‌الله معتمدی» بود که آن زمان با رأی همه شده بود رئیس موزه و می‌خواست بخش را تحویل دهد. قرار شد خانم «زهرا کندری» بخش تاریخی و لرستان را تحویل بگیرد که به دلایلی نگرفت. اما به‌زودی مدیر باستان‌شناس موزه عوض شد و پس از آن موزه در اختیار چند مدیر موقت قرار گرفت. هر کدام به روش خود و بدون هیچ تخصص مربوطی آمده بودند تا ریاست کنند. مثلاً روش کار یکی از آنها که

بسیار هم جوان بود این بود که برادرش را که به‌عنوان معاون یا خود آورده بود، می‌فرستاد به بخشها برای چک کردن ما. او هم از روش ایستادن در راهرو و سرک کشیدن از راه دور به درون اتاقها استفاده می‌کرد. بعد از چند مدیر موقت، آقای «جلیل گلشن» به ریاست موزه برگزیده شد و دوباره یک باستان‌شناس بر سر کار آمد. مهندس ایبوری هم که معماری خوانده بود، از راه رسید و مدیر مرکز باستان‌شناسی شد و به زودی به ما که استخدام مرکز باستان‌شناسی بودیم ولی به میل خود، در بخشهای مرکز کار می‌کردیم گفت: «انتخاب کنید یا موزه یا مرکز باستان‌شناسی». سرنوشت کاری من با آمدن این مدیر جدید با سلیقه جدید، تغییر کرد. از آن زمان، دیگر در مرکز باستان‌شناسی به کارهای اداری و پژوهشی مشغول شدم و تصمیم گرفتم درباره آثار پیشه‌های باستانی پژوهش کنم و با اصرار به مهندس ایبوری قبولاندم که هر پژوهشگری باید خودش تصمیم بگیرد که در باره کدام آثار فرهنگی تخصص پیدا کند و نه مدیرش. ارتباط عاطفی من با موزه ایران‌باستان و بخش تاریخی و لرستان اما، هرگز قطع نشد. دوستان من و همه آن آثار، توی اتاقهای سرد و خالی مرکز باستان‌شناسی وجود نداشتند. هر وقت همکارهای بخش یا به قول خودمان «بچه‌های بخش» یادشان می‌رفت که فلان

کارتن‌ها که ببریم به گنجینه. کارتن‌ها را شمرده و علامت‌گذاری کردیم. پله‌های طبقه دوم را با احتیاط ولی به سرعت با کارتن‌ها یکی یکی پایین می‌آمدیم و به حیاط می‌رسیدیم و از شیب گنجینه پائین می‌رفتیم و کارتن‌ها را در اتاقی که برای اشیاء بخش پیش از تاریخ در نظر گرفته شده بود، می‌چیدیم. تعدادی را برده بودیم. داشتیم یکی دیگر از کارتن‌ها را می‌بردیم. یک سر طنابی که کارتن را با آن بسته بودیم توی دست ما هرز و سر دیگرش توی دست من بود. وسط راهرو طبقه دوم رسیدیم که صدای مهیب یک موشک ما را از حرکت باز داشت. صدای موشک دوم، روی دویا نشستیم، خشک شده بودیم. بدون حرف به هم نگاه کردیم، پرسیدیم چکار کنیم؟ فرصت نشد، صدای چهار موشک دیگر و تمام. مدتی همانطور خشک شده مانده بودیم. چقدر طول کشیده بود یک قرن؟ نه شاید فقط شش ثانیه به اندازه بارش شش موشک. یواش یواش تکانی به پاها دادیم و بلند شدیم. طناب کارتن را همانطور محکم در دست داشتیم. به راه ادامه دادیم از پله‌ها پایین آمدیم و رسیدیم به حیاط. مهندس شیرازی و مهندس ایبوری با حال آشفته توی حیاط کنار باغچه بین موزه و مرکز ایستاده بودند، باغچه‌ای که آقایان موسیوند و خنجری با دل و جان از آن و بقیه باغچه‌ها پاسداری می‌کردند. آن دو داشتند به سمت موزه می‌آمدند. مهندس شیرازی وقتی که دید ما کارتن به دست داریم به سمت گنجینه می‌رویم گفت چکار می‌کنید؟. دست از «اشیاء» بردارید و بروید پناهگاه. نتوانستم جلوی خود را بگیرم و با تمام احترامی که برای مهندس شیرازی قابل بودم گفتم: «اشیاء چه گناهی کرده‌اند؟» به دنبال این حرف مهندس ایبوری گفت: «صیانت جان واجب است». باز هم نتوانستم جلوی خود را بگیرم، گفتم: «شما بروید پناهگاه برای صیانت جان». و آن‌ها به طرف زیرزمین موزه که حالا نقش پناهگاه را بازی می‌کرد، رفتند. همانجا که سالها چایخانه «عباس آقا کجیان» برقرار بود؛ با آن استکان-های کمر باریک پُر از چای پُورنگ، که برای کارمندان هم از همان جای به اتاق‌ها می‌آورد و من که اصلاً نمی‌توانستم چای پُورنگ بخورم تا روی برمیگرداند گلدان را با آن سیراب می‌کردم. ما به راه خود ادامه دادیم. توی دلم می‌گفتم مگر این اشیاء جان ندارند و صیانت جان آنها واجب نیست. مگر جان من از جان آنها جانتر است. من که هر شب خواب این اشیاء را می‌بینم، چگونه بگذارم جانشان به خطر بیفتد. مگر جان «نونوس تپه سراب»، «ساعره‌های سفالی شوش»، «فوری‌های سبلیک»، «جام شیشه موزائیک» و «جام زرین زندگی مارلیک»، «کوزه‌های سفالی چغازنبیل» ... از جان من کمتر اهمیت دارد؟. یعنی بگذارم روح سازندگان آنها آزار ببیند. کسانی که شاید زمانی که باستان‌شناسا، آنها از میان ویرانه‌ها و گورها بیرون می‌آوردند، نفرین خود را نثار آنها کرده بودند. حالا یکبار دیگر نفرینشان بر ما نثار شود که چرا از جان دست‌آفریده‌هایشان صیانت نکردیم؟

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
 آن روز گذشت. فردا رفته به بخش تاریخی و لرستان به همان هدف کمک کردن به جمع‌آوری اشیاء این بخش. وقتی وارد اتاقی که دو سال در آن با اشیاء دوره هخامنشی، اشکانی و ساسانی زندگی کرده بودم، شدم. «ناصر گنجینی» را دیدیم که مثل همیشه آرام آرام و به تنهایی، درانه دانه داشت اشیاء را بسته‌بندی می‌کرد. کمک مرا رد کرد همانطور که انتظارش را داشتیم. او هرگز آرامشش را با کسی قسمت نمی‌کرد! پس نتوانستم نقشی در صیانت جان «مفرغهای لرستان»، «آجرهای منقوش یوکان»، «سردیس لاجوردی شاهزاده پارسی تخت جمشید»، «جام زرین خشایارشا»، «توکوک سیمین اسطخ جان»، «سردیس شهبانو موزا»، «موزائیک‌های بیشاپور» و... که بارها در دست‌آرم آمده بودند، داشته باشم. حسرتش به دلم ماند.

موزه تعطیل شد. زمان گذشت و جنگ تمام شد. قرار شد دوباره اشیاء به بخشهای موزه برگردند. یک روز ما هرخ به من تلفن کرد و گفت: «یکی از کارتن‌ها توی گنجینه نیست. هزار بار شمردم یکی از آنها کم است. تو چیزی یادت نمی‌آید؟» گفتم: «راستش نه. ما که همه را شمردیم و بردیم پایین». هر چقدر فکر کردم به نتیجه نرسیدم. مدتی بعد دوباره ما هرخ زنگ زد و گفت: «پیدا شد. داشتیم از ترس می‌فردم. مونده بود پشت در آن اتاق بخش که درش را بسته بودیم و دیگر رفت و آمد نداشتیم. آن چند روز زیر موشک‌باران آتذر با عجله کار کرده بودیم که این یکی جا مانده بود». خوشحال شدم که هیچ موشکی به ساختمان موزه نخورد و از جان اشیاء این کارتن هم صیانت شد. از آن زمان بیش از سی سال گذشته است. بسیاری ماجراها از این گونه اتفاق افتاد و فراموش شد. شاید فقط عکسی از زمان موشک‌باران پیرامون موزه و صیانت جان اشیاء باقی مانده باشد که آقای میرعباسدین کابلی و محمدرضا ریاضی و آقا رفیع‌الله‌خان رضانی را در حال حمل چند ظرف از بخش اسلامی به گنجینه نشان میدهد، که من برای اولین و آخرین بار همین چندسال پیش آن را دیدم که گویا «مناز گرجی» - آن دوستم از آغاز استخدامش تا کنون - از نسل پس از من، در زمانی که بر مسند مدیریت موزه نشست، یافته بود و بر دیوار راهروی طبقه اول بخش اداری موزه، آویخته بود. آقای کابلی که همیشه بار غار همه باستان‌شناس‌ها و معاون مرکز باستان‌شناسی و... بود، ریاضی که رئیس کتابخانه موزه بود و در طول سی سال خدمت او در این سمت، نگذاشت هیچ تجددطلبی چیره شود در کتابخانه‌ای که بنایش را «آندره گدار» در کنار تالار موزه ایران باستان طراحی کرده بود و «سلما مقدم» اولین موسس آن بود و بخشی از هویت موزه ایران باستان بود، و من که خوره کتاب بودم! بیشترین سود را از ریاست ریاضی بر این کتابخانه بردم و به همه کتابهای باستان‌شناسی این کتابخانه دسترسی پیدا کردم و بیشتر آنها را خوردم! و اما، آقا «رفیع‌الله‌خان» که مستخدم مخصوص دکتر باقرزاده بود و بعد مستخدم مخصوص مدیران بعدی. نمی‌دانم این عکس از آقای صافی گرفته بود یا نه؟ راستش را بگویم من تنها کسی را که در این عکس نشناختم، همسرم ریاضی بود! انگار گذر زمان بدجوری اثر کرده بود و یادم رفته بود که آن روزها هر دو جوان بودیم و ریاضی این شکلی نبود.

نسل ما و موزه با هم بزرگ شدیم و حتی پیر شدیم. نسل ما پیش بسیاری رفتند. از نسل ما هم همینطور. موزه نسل فعلی هم با موزه بزرگ میشود و میرود. موزه میماند و خودش با این تفاوت که می‌رویم و موزه در تنهایی خودش تنها نمیرود، بلکه روز به روز، اعتبار بیشتری پیدا میکند و نسلهای آتی را فرا می‌خواند تا در سایه‌های بزرگ شوند و پیر شوند و بروند. شاید این دلنوشته را فقط هم نسلهای من در موزه و مرکز درک کنند. شاید نسل جدید در موزه از این گونه ماجراها و این دلنوشته چیزی حس نکنند همانطور که نسل ما هم شاید، از ساخت و راه‌اندازی موزه در هشتاد سال پیش فقط خوانده و شنیده اما، حس نکرده بودیم. با این وجود نسل من هم، اگر نه هشتاد سال پیش و در نخستین گشایش موزه، بلکه در بازگشایی آن پس از تعطیل چندساله نقش داشتیم. من هم طبق معمول آماده کمک برای این بازگشایی. دوباره ویرانه‌ها چیده شد با کمترین امکانات. یادم می‌آید که چتر فقیهانه انیکت اشیاء را نوشتم. حتی به اندازه کافی پایه که ما به روال موزه‌داران نسل پیش به آنها «شکل» می‌گفتیم، برای گذاشتن زیر اشیاء وجود نداشت. اما به هر روی، موزه بازگشایی شد، هرچند نیمه‌جان. حافظ می‌گوید: «هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق/ ثبت است بر جریده عالم دوام ما / مستی به چشم شاهد دلیند ما خوش است / زان رو سپرده اند به مستی زمام ما» بله این بود نسل ما اما ثبت نیست بر جریده موزه ایران باستان نشان ما!

آب را هدر ندهیم

آبگی مفقودی
 سند (شناسنامه) خودرو سواری پژو 7XU-GLX به شماره پلاک ۷۵ایران ۵۸چ۷۷۵ مدل ۱۳۹۶ به شماره موتور K 1104900 شماره شاسی 263791HK0CE01NAAM به رنگ تفره ای مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط است.

آبگی مفقودی
 برگ سبز خودرو پژو 7XU-GLX به شماره پلاک ۶۵ایران۱۶۴۵۸ مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۲۴۸۸۳۵۵۶۱ شماره شاسی 504663AR3CA01NAAM به رنگ تفره ای متالیک مفقود گردید و از درجه اعتبار ساقط است.

خانه مشروطه اردبیل در معرض نابودی

خانه قاجاری اسماعیل بیگ، تاجر و کاردار فرهنگی سفیر شوروی سابق در ایران در هنگامه وقوع انقلاب مشروطه که از سوی باباخان اردبیلی، رهبر مشروطه خواهان اردبیل تصرف و آزادسازی شد، حالا در قلب اردبیل تبدیل به ویرانه ای شده است که به گفته «حامد ابی ترابی» از فعالین میراث فرهنگی اردبیل این بنای تاریخی به یک مون پند است و تمام بار این خانه بر یک ستون آوار شده است. این خانه یادگار مهمی از حرکت ملی مشروطه در اردبیل است که سال ۱۳۹۸ فهرست آثار ملی کشور ثبت شده اما حفاظت از آن به فراموشی سپرده شده است.

ترابی درباره وضعیت این خانه می‌گوید: «مالکین این خانه که حدود ۱۵ نفر هستند نه تنها برای حفظ این خانه ثبت ملی شده اقدامی نمی‌کنند که اداره میراث فرهنگی اردبیل و فرمانداری و استانداری هم برای تعیین تکلیف این خانه و مرمت و احیای آن برنامه ندارند.» به گفته او با اینکه امام جمعه اردبیل این بنای تاریخی به یک مون پند است، برای آن حاضر به همکاری شده است، مسئولین استان از جمله اداره میراث فرهنگی، استانداری و فرمانداری همکاری لازم را نداشتند و سه سال است که نامه امام جمعه مبنی بر لزوم رسیدگی فوری به وضعیت این

خانه تاریخی که تحویل دبیرخانه میراث فرهنگی شد بی‌پاسخ مانده است. حامد ابی ترابی، می‌گوید: «مالکین خانه سعی داشتند با وارد کردن آب به این بنا آن را تخریب و اقدام به ساخت آپارتمان به جای نگهداری از این خانه تاریخی داشتند که خوشبختانه با ثبت ملی اثر این امکان را پیدا نکردند. هربار هم که سرمایه‌گذار برای مرمت و احیای خانه تاریخی مشروطه اردبیل پیدا می‌شود مسئولین استانی رغبتی برای همکاری با او نشان نمی‌دهند و به همین دلیل وضعیت خانه تاریخی اسماعیل بیگ بدتر می‌شود.» ایلنا

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین آبگی تجدید حدود اختصاصی

چون تجدید حدود شش‌دانگ یک قطعه باغ به پلاک ۸۲ فرعی از ۳۸- اصلی واقع در بخش ۴ جنوبشرق قزوین به علت عدم حضور مالک به عمل نیامده و عمل تبصره ذیل ماده ۱۵ قانون ثبت نیز میسر نیست؛ لذا بنا به تقاضای محمد میراکبری تجدید حدود پلاک فوق در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۰ ساعت ۱۱ صبح به‌وسیله نماینده و نقشه‌بردار این اداره در محل وقوع ملک به عمل خواهد آمد. بدین‌وسیله به مالکین مجاور اخطار می‌شود که در روز و ساعت مقرر در آبگی در محل حضور به هم رسانند مجاورین معترض که در محل حضور نداشته باشند می‌توانند طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت‌جلسه تجدیدی لغایت سی روز اعتراض کتبی خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تنظیم نماید در غیر این صورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می‌تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست از دریافت و به این اداره تسلیم نماید. با ارائه گواهی همین‌طور این اداره بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد. رونوشت: جهت اطلاع به آقایان امید هدایت فرو و امیرنصرتی نماینده و نقشه‌بردار ابلاغ می‌گردد.

شعبان سگری - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین
 تاریخ انتشار آبگی: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸
 شناسه آبگی: ۱۹۵۴۷۴۴

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین آبگی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت یک قطعه خانه نوع ملک طبق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۱۴۷ فرعی از ۳۱۶۶ اصلی، مفروز و مجزا شده از فرعی از اصلی مذکور، قطعه در طبقه و واقع در بخش ۴، ناحیه ۰۱ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین استان قزوین به مساحت ۱۳۴۰۷ مترمربع مالکیت مرصع / مافی فرزند صفدر شماره شناسنامه ۲۱۴۵ تاریخ تولد ۱۳۳۸/۰۶/۰۳ صادره از پوشین‌زهره دارای شماره ملی ۵۰۹۹۱۳۴۰۳ به جزم شهر ۱۷ از کل سهم ۸۴ به‌عنوان مالک هفده سهم مشاع از هشتاد و چهار سهم عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۴۶۹۱۹ تاریخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۱ شهر قزوین استان قزوین موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۵۴۲۹۱ سری الف سال ۹۷ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۷۲۰۳۰۹۰۱۰۰۹۷۵۹ ثبت گردیده است. بازداشت و رهن ندارد.

سپس مالک با ارائه دو برگ فرم شهادت شهود مدعی فقدان سند به علت نامعلوم مفقود گردیده و تقاضای صدور سند مالکیت المثنی خود را نموده که مراتب به استناد ماده ۱۲۰ آیین‌نامه اصلاحی قانون ثبت اعلام می‌گردد تا هر کس به نحوی از هر انحاء نسبت به ملک مذکور حقی داشت و یا معاملاتی به نفع او شده و یا مدعی وجود سند نزد خود باشد از تاریخ انتشار این آبگی تا مدت ده روز ضمن مراجعه به این اداره اعتراض خود را با ارائه اصل سند مالکیت و سند معامله تسلیم نماید و چنانچه ظرف مدت مقرر اعتراض به این اداره نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد این آبگی در یک نوبت به شرح ذیل منتشر خواهد شد.

شعبان سگری - مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین
 تاریخ انتشار آبگی: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸
 شناسه آبگی: ۱۹۵۵۹۲۲

قانون اقلیمی جدید امارات؛ زنگ هشدار برای ایران

رقابت بر مدیریت مخاطرات اقلیمی

ایران هنوز فاقد چارچوب مشخص قانونی و نهادی برای مواجهه با تغییر اقلیم است



صابر معصومی

مشاور سازمان‌های بین‌المللی در امور محیط‌زیست و تغییر اقلیم

براساس این قانون، تمامی نهادهای دولتی و خصوصی، اعم از شرکت‌های فعال در مناطق آزاد، مکل‌فاند برنامه‌هایی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییر اقلیم تدوین و اجرا کنند. این الزام، نه در قالب توصیه یا چارچوب‌های داوطلبانه، بلکه در قالب قانون رسمی با ضمانت‌های اجرایی روشن اعمال خواهد شد.

این قانون اگرچه در ظاهر ماهیتی فنی-محیط‌زیستی دارد، اما کارکرد واقعی آن، نهادینه‌سازی نظم جدیدی در حکمرانی اقتصادی و تجاری امارات در دوران گذار از نفت است.

مهمترین ویژگی‌های این قانون عبارت‌اند از:

«الزام تمامی نهادهای و شرکت‌ها (اعم از دولتی، خصوصی و مناطق آزاد) به تدوین و اجرای برنامه‌های کاهش انتشار، ایجاد نظام ملی پایش، گزارش‌دهی و راستی‌آزمایی (MRV) مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی مانند ISO ۱۴۰۶۴، نقشه راه کربن‌زدایی برای صنایع کلیدی شامل انرژی، حمل‌ونقل، ساختمان، کشاورزی و پتروشیمی، جرایم اقلیمی سنگین تا سقف دو میلیون درهم (۵۵۰ هزار دلار) برای نهادهای متخلف، ایجاد بازارهای کربن و هماهنگی با بازارهای بین‌المللی، شکیل مرجع مرکزی هماهنگی اقلیمی با اختیارات مالی و نظارتی.»

امارات با این قانون، پیوندی مستقیم میان سیاست اقلیمی و راهبردهای تجاری برقرار کرده است. صادرات کالاهای پرکربن مانند آلومینیوم یا فرآورده‌های نفتی نیز تنها در صورت دارا بودن برچسب کربنی کنترل‌شده مجاز خواهد بود؛ اقدامی که هدف آن، مصون‌سازی اقتصاد امارات از تحریم‌ها و جرایم و مالیات‌های اقلیمی خارجی است.

نگارنده جهانی تصویب قانون

قانون اقلیمی امارات را نمی‌توان به‌عنوان حرکتی صرفاً داخلی یا نامدین در نظر گرفت. تصویب این قانون باید در بستر تحولات جهانی تقسیم شود. در سطح بین‌المللی،

دگرگون

می‌کند بلکه پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی گسترده‌ای بهمراه دارد. تصویب قانون فدرال شماره ۱۱ درباره «کاهش اثرات تغییر اقلیم» از سوی کابینه امارات، نشانه‌ای از تحولی ساختاری در نگاه سیاستگذاران این کشور به آینده اقتصاد، تجارت و امنیت ملی است. این قانون که از سی‌ام ماه مه ۲۰۲۵ به مرحله اجرا درآمد، حامل پیام روشنی برای کشورهای منطقه از جمله ایران است: رقابت در قرن ۲۱ دیگر صرفاً بر سر منابع انرژی نیست، بلکه بر سر نحوه مدیریت مخاطرات اقلیمی و نیز مدیریت کربن و هیدروژن خواهد بود. در شرایطی که ایران همچنان فاقد چارچوب مشخص قانونی و نهادی برای مواجهه با تغییر اقلیم است، این حرکت امارات عربی متحده باید به‌منزله هشدار زودهنگام تلقی شود و نقطه عزمی برای بازنگری عمیق در سیاست‌های اقلیمی، اقتصادی و دیپلماتیک کشور باشد.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

شاید مهم‌ترین جنبه این تحولات، تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر ایران باشد. در شرایطی که ایران با چالش‌های جدی اقتصادی، محدودیت‌های بین‌المللی و ژئواستراتژیک برای کشورهایی چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

تأثیرات این تحولات بر اقتصاد و جایگاه ایران

تثبیت نقش منطقه‌ای در دیپلماسی اقلیمی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های کم‌کربن تصاحب برند سبز ملی برای رقابت تجاری بین‌المللی این محور جدید در حال تبدیل شدن به رقیبی ژئواستراتژیک برای کشورهای چون ایران است که هنوز فاقد استراتژی جامع اقلیمی هستند.

برای ثبات اجتماعی و اقتصادی در داخل کشور نیز به‌شمار می‌رود. بدین‌ترتیب، بی‌توجهی مزمن به سیاست‌گذاری اقلیمی، ایران را به‌سمت بحران‌های عمیق‌تر اقتصادی و ژئوپلیتیکی سوق می‌دهد. تحولات جدید اقلیمی در منطقه و جهان آشکار می‌کنند که:

سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی اکنون به کشورهایی معطوف‌اند که دارای چارچوب اقلیمی روشن، بازار کربن فعال و ریسک اقلیمی پایین هستند.

زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای به‌سمت پایش کربن، شفافیت و استانداردهای ESG حرکت می‌کنند.

غیبت ایران در عرصه‌های دیپلماسی اقلیمی، به کاهش قدرت نرم و اثرگذاری بین‌المللی کشور انجامیده است.

اگر بخواهیم از منظر اعتبار سرمایه‌گذاری به این مسئله نگاه کنیم، در ارزیابی‌های اعتباری کشورهای ایران، قطر و امارات متحده عربی، تفاوت‌های قابل‌توجهی در رتبه‌بندی‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و مؤسسه «استاندارد اند پوزز (S&P)» مشاهده می‌شود. ایران با قرار گرفتن در بالاترین سطح ریسک (دسته ۷ در OECD) و نبود رتبه اعتباری از سوی مؤسسات بزرگ مانند S&P، به‌دلیل تحریم‌ها، بی‌ثباتی سیاسی و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی، از منظر جذب سرمایه خارجی و ارائه تسهیلات اعتباری، در شرایط دشواری قرار دارد. در مقابل، قطر و امارات با رتبه‌های اعتباری بالا (AA- از S&P و دسته ۲ در OECD) نشان‌دهنده ثبات مالی، ذخایر ارزی قوی و سیاست‌گذاری‌های مؤثر هستند. با وجود این، ریسک‌های محیط زیستی و اقلیمی از جمله کم‌آبی، گرمایش شدید و خطر افزایش سطح دریا، به‌ویژه در کشورهای حاشیه خلیج فارس، به‌تدریج به‌عنوان عوامل مؤثر بر ارزیابی‌های اعتباری تلقی می‌شوند. تفاوت اصلی در این زمینه، میزان آمادگی و پاسخ سیاستگذارانه است: امارات و قطر با اجرای استراتژی‌های کاهش انتشار کربن و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر، توانسته‌اند اثرات منفی اقلیمی بر اعتبار مالی خود را تا حدی مهار کنند، درحالی‌که ایران فاقد برنامه منسجم در این حوزه است و این می‌تواند در آینده بر ریسک اعتباری آن تأثیر منفی بگذارد.

راهبردهای پیشنهادی برای ایران

برای پرهیز از حذف تدریجی از نظام اقتصادی و سیاسی جهانی، ایران نیازمند یک بازآرایی اساسی در سیاست اقلیمی است. این بازآرایی باید چندلایه، واقع‌گرایانه و مبتنی بر ظرفیت‌های بومی باشد. پیشنهادهای کلیدی در این زمینه به شرح زیر است:

تدوین و تصویب قانون جامع اقلیمی؛ تعیین و اجرای قاطع اهداف قابل اندازه‌گیری کاهش انتشار در سطح ملی؛ تعیین یک نهاد چابک فرابخشی ذیل ریاست‌جمهوری به‌عنوان مسئول هدایت و هماهنگی؛ برنامه ریزی و اجرای استراتژی اقلیمی کشور؛ تخصیص بودجه اقلیمی مشخص از منابع عمومی و اقدام برای جذب منابع بین‌المللی؛ تشکیل شورای عالی اقلیم با حضور وزارتخانه‌های کلیدی؛ ایجاد و مشارکت فعال در بازارهای داوطلبانه و الزامی کربن ایجاد نظام مشوق و الزام برای ورود صنایع و بخش خصوصی به بازار کربن؛ ایجاد نظام اعتبارسنجی داخلی برای پروژه‌های کابنده کربن (MRV)؛ ایجاد سیستم تضمین و بیمه فرایندها و گواهی‌های کربن ثبت پروژه‌های ملی در نهادهای بین‌المللی مانند Verra و Gold Standard؛ توسعه بازار مبادله گواهی کربن در بورس انرژی کشور؛ احیای زیست‌بوم‌های تخریب‌شده با نگاه اقلیمی؛ اجرای پروژه‌های جنگل‌کاری، مقابله با بیابان‌زایی و احیای تالاب‌ها و جنگل‌های حرا؛ اتصال این پروژه‌ها به سازوکارهای بین‌المللی کربن به‌ویژه بازارهای داوطلبانه کربن و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها؛ بهره‌گیری از مشارکت جوامع محلی، دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی؛ اصلاح یارانه‌های انرژی و سیاست‌های مالی اقلیمی؛ هدفمندی یارانه‌ها به‌نفع اقشار کم‌درآمد و انرژی‌های پاک؛ اجرای تدریجی مالیات کربن در صنایع پر‌مصرف؛ انتشار اوراق قرضه سبز برای تأمین مالی پروژه‌های اقلیمی و استقرار نظام تضمین این سرمایه‌گذاری‌ها؛ بازتعریف دیپلماسی اقلیمی ایران؛ تقویت حضور رسمی در اجلاس‌ها و معاهدات اقلیمی مجدد بر اهمیت «سند نظام فنی و اجرایی کشور» و چشم‌انداز کلان و اهداف بلندمدت آن، و با تأکید بر ضرورت نقد و به‌روزرسانی مستمر سند خصوصی در فرآیند کارشناسی و تصمیم‌سازی تأکید می‌کنم. امیدوارم بهره‌گیری از تدابیر و سازوکارهای جدید مطرح‌شده در سند، به‌ویژه روش‌های مرتبط با «مشارکت عمومی-خصوصی» (زیرنظام دوم)، شاهد تحولات مثبت در تحقق اهداف پروژه‌های عمرانی و برنامه‌های توسعه‌ای رصد روزه‌های جهانی.

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

امارات دریافته است

داوم نقش آفرینی‌اش در

بازارهای جهانی و حفظ

دسترسی به منابع مالی

بین‌المللی، مستلزم برخورداری

از چارچوب‌های قانونی

مشخص در زمینه

اقلیم و محیط‌زیست است

واقع‌بینانه‌ای از این رویداد ممکن نیست. از این‌رو، در راستای روشنگری، یادگیری و نیز تذکر به نهادهای دولتی، به دو نکته مهم اشاره می‌کنم: نخست آن‌که، حضور و مشارکت برخی از ذی‌نفعان اصلی، به‌ویژه دستگاه‌های مرکزی و اجرایی، بسیار کم‌رنگ و محدود بود. جز سازمان برنامه، وزارت نفت، وزارت نیرو، تا حدی وزارت کشاورزی و معاونت حقوقی ریاست جمهوری، سایر دستگاه‌ها یا در جلسات غایب بودند یا حضور همه دستگاه‌های مرتبط به‌صورت مسئولانه و مؤثر در فرآیند تدوین سند مشارکت می‌کردند، نتیجه نهایی از جامعیت و کیفیت بالاتری برخوردار می‌بود و بسیاری از ایرادات کنونی در همان جلسات برطرف می‌شد. تحلیل دقیق این موضوع در چارچوب این نوشتار نمی‌گنجد؛ اما چنانچه این رویه در سایر فرآیندهای مقرر‌گذاری دولت نیز حاکم باشد، بروز کاستی‌ها و ایرادات در مصوبات، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. نکته دومی که لازم می‌داند در نوشته حاضر بیان کنم، دخل و تصرف محتوایی و بعضاً سانسور و حذف برخی موضوعات کارشناسی شده و توافق شده در جلسات رسمی است که در مراحل بعدی در دستگاه دولت صورت گرفته و منجر به تغییراتی در متن سند و کاهش محسوس کیفیت آن شده است. حذف

اهداف کلان، محورهای کلیدی و سمت‌گیری‌های آن «سند» مطرح کردم و نیز به برخی دغدغه‌ها و نگرانی‌ها در روند تهیه، تدوین و جمع‌بندی آن اشاره نمودم. (روزنامه پیام ما، مورخ ۱۹/۲/۱۴۰۳) موضوعاتی مهم مانند جایگاه و اعتبار قانونی سند، رویکرد توسعه پایدار، همکاری با بخش خصوصی و تشکلات صنفی و مهندسی، جامعیت دامنه شمول، بهبود ساختارها و فرآیندها، و مشارکت عمومی-خصوصی، از جمله مواردی بودند که به‌عنوان بخشی از انتظارات و مطالبات بخش خصوصی مطرح شده و بر ضرورت لحاظ آن‌ها در متن سند تأکید شد. مرور روند تهیه، تدوین و بررسی «سند نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور» نشان‌دهنده جوانب مثبتی است که مهم‌ترین آن‌ها حضور و مشارکت نظام‌مند نمایندگان بخش خصوصی (اتاق بازرگانی و شورای هماهنگی تشکلات مهندسی) در تمامی مراحل تدوین و بررسی متن سند است. شایسته شدن صدای این نهادها و توجه نسبی به نظرات کارشناسی و انتظارات قانونی آن‌ها، که در طول ۹ ماه گذشته از طریق برگزاری نشست‌ها و جلسات مشترک در

سازمان برنامه و بودجه و کمیسیون‌های دولت و همچنین از طریق انتشار مطالب و مکاتبات انجام شد، به‌نحوی مؤثر موجب بسط و تعمیق محتوای سند و حصول فقهی مشترک در بسیاری از موضوعات گردید. برگزاری بیش از ۲۰ جلسه کارشناسی در سازمان برنامه و بودجه، کمیسیون دولت، اتاق بازرگانی و شورای هماهنگی تشکلات، گویای گستردگی توجه و اهتمام ارزشمند نهادهای ذی‌ربط، به‌ویژه سازمان برنامه و بودجه و شورای هماهنگی، نسبت به این سند است. از دیگر اتفاقات مهم در این فرآیند، اقدام حرفه‌ای و مسئولانه شورای هماهنگی در تهیه و تولید محتوای سند و تدوین پیش‌نویسی با کیفیت بالا و منطبق بر اصول مقرر‌نویسی با بهره‌گیری از متخصصان است. این اقدام موجب گشودگی فضای بحث‌های علمی و نظری، افزایش سطح انتظارات، و در نهایت ارتقاء کیفیت محتوای سند شد. تجربه‌ای موفق که می‌تواند الگویی برای تعاملات آینده با نهادهای دولتی باشد. با این وجود، نواقص و انتقاداتی نیز در فرآیند تصویب سند مشاهده شد که بدون اشاره به آن‌ها، تحلیل

سرتیاجم چشم‌پند به انتشار و ابلاغ «سند نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور» روشن شد. سندی که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی حوزه صنعت احداث و ساخت‌وساز کشور، با رویکرد «یکپارچی»، تحت مصوبه شماره ۴۰۵۴۴ مورخ ۳/۳/۱۴۰۴ هیئت محترم وزیران، وارد عرصه نظام فنی و اجرایی کشور شد. در مقاله‌ای که در آذرماه سال گذشته نوشتم و در برخی شبکه‌ها و روزنامه‌ها منتشر شد، امیدها و بیم‌هایی را درباره



محمدشفیع رضاخانی

عضو کمیته نظام فنی اجرایی تشکلات‌های مهندسی کشور

«سند نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور»؛ انتظارات و ابهامات

یادداشت ‏ 🔒

از تلخ‌های جنگ تا امید آشتی روایتی ازرنج و مقاومت



| حسین محمدنیا |

| فعال فرهنگی |

توی شکم مادرم بودم که جنگ آغاز شد. پدرم دو زن باردار و زنی با نوزاد شیرخواره را، در ازای بیست لیتر بنزین به راننده‌ای سپرد و با مشقت فراوان از پل ایستگاه هفت آبادان راهی ماهشهر کرد. خیلی‌ها را هم با لنج از آبادان به جای امن تر جابه‌جا کرد. این‌ها را مادرم بعدها برایمان تعریف کرد و می‌گفت که چطور پدر زیربهاران هواپیماهای عراقی، در بیابان‌های منتهی به جاده تا سرسندر همشهری‌هایش را همراهی می‌کرد. مادر از آن شب سپاه کوچ اجباری سخن می‌گفت؛ کوچ اجباری خانواده‌ها به شهرهای مختلف. من در پنجم محرم، ۲۲ آبان، در بحبوحه همان روزهای تاریک در بندرعباس به دنیا آمدم؛ در آن بیست روزی که در این شهر جنگ‌زده بودیم. بعد رفتیم بوشهر و پنج سال را در کمپ‌های اطراف نیرنگاه این شهر گذرانیدیم. بعد دوباره آمدیم خوزستان و شهرک «مکو». چهار تا پنج سال در دشوارترین شرایط توی یک کانکس، میان مارها و عقرب‌ها زندگی کردیم. پدرم کامند شرکت نفت آبادان بود و در تمام این سال‌های سخت، در آبادان، در محاصره و زیر آتش سنگین دشمن ماند. و تا آخر عمر به‌پاس این ایثار، خودش نخواست حتی یک عنوان رسمی یا امتیازی دریافت کند. جنگ که تمام شد دوباره برگشتیم آبادان؛ شهری که تا سال‌ها آثار ویرانگر آن جنگ خانمان‌سوز بر پیکره‌اش نمایان بود. حتی پس از جنگ خلیج و حمله آمریکا به عراق، صدای هواپیماها و انفجار بمب‌ها در آبادان، خاطره آن روزهای سخت را زنده می‌کرد. ما کسانی بودیم که همه این رنج‌ها را با پوست و گوشت لمس کرده بودیم. حالا پس از سال‌ها، ایران بار دیگر درگیر جنگی ناخواسته شد؛ جنگی که هیچ‌یک از مردم این سرزمین طالب آن نبودند. این بار اما، فشار اصلی متوجه پایتخت بود. جنگ امروز، خاطرات رنج مردم آبادان و خرمشهر در جنگ هشت‌ساله و رنج‌ها و کاستی‌های دوران جنگ‌زدگی را در ذهنم تداعی کرد. اما این بار تفاوت آشکار، واکنش مردم بود: این بار، برخلاف بعضی از نگاه‌های بغض‌آلود و

نازوی گذشته، قلب مردم ستمدیده، از استرس و فشاری که بنویزه بر پایتخت وارد می‌شد، به درد آمده بود. جالب آن که مردم شهر جنگ‌دیده من، آبادان، آغوش خود را به‌روی همه گشودند. به تعبیر مادرم این درگیری برای ما در قیاس با آن جنگ هشت‌ساله، «جنگی سادتر» بود. این بار حتی لحظه‌ای هم به فکر ناپاوردن به جای امن نبود. امروز، مردم آگاه‌ترند و در کنار هم ایستاده‌اند. جدا از معبود افرادی که خواسته‌هایشان را در گرو هم‌بویی با دشمن خارجی می‌بیندآشتند، این مردم نجیب و دوست‌داشتنی بیش از هر زمان دیگری متحد و همدل‌اند. مناسبات آنان در ایستادن پای وطن و مردم، عری‌غم دلخوری و بعضی گلاویه‌ها از حاکمیت ستودنی است. حالا اما نوبت حاکمیت است که قدر این مردم نجیب را بداند، به گلاویه‌ها و دغغغ‌های آنان با دلسوزی نگاه کند، این فرصت بی‌بدیل را برای اصلاح و ترمیم لطمه‌ها با سرمایه‌های بی‌بدیل مردمی و شاید نجیب‌ترین مردم جهان غنیمت شمارد و بیش از گذشته دل‌آنان را به دست آورد. جنگ، در هر حالتی، برای هیچ ملتی سودمند نیست اما، شاید همین روزهای تلخ و پروحشت بهانه‌ای باشد برای صلح و آشتی میان دلسوختگان وطن‌دوست، آنچه در پایان ماندگار خواهد ماند، ایران عزیز است و مردمان قهرمان و نجیبش.

آگهی تاسیس شرکت

آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود نسل کاردان ایده گستر
به شناسه ملی ۱۴۰۱۳۳۵۴۱۱۴
و به شماره ثبت ۱۷۶۷۹
استناد صورتجلسه مجمع‌عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۳۱
تصمیمات ذیل اتخاذ شد محل شرکت به واحد ثبتی اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران به آدرس استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، خیابان هدایت، کوچه شهیدرضا حاج علیرضایی، خیابان بهارستان، پلاک ۸۸، طبقه همکف به کدپستی: ۱۱۴۹۸۴۷۱۱ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساننامه اصلاح گردید.

شناسه آگهی: ۱۹۵۵۳۱۵

اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری اراک



— جبرگزاری قانون ترکیه — [CC]

روایت اضطراب‌های پنهان پس از تجربه جنگ ۱۲روزه، درگفت‌وگو با «پروین میرعنایت»

فقط یک ماه برای بازسازی روان دارید



| مهتاب جودکی |

| روزنامه‌نگار |

🔒 در شرایط جنگی که ناگهانی آغاز نمی‌شود و تداوم دارد، چطور می‌توان لحظه شروع بحران روانی را تشخیص داد؟

وقتی حادثه‌ای رخ می‌دهد، یکی از مراحل مهم برای افراد، سه روز تا یک ماه نخست بعد از بحران است که استرس حاد داریم که ممکن است علائم فیزیولوژیک مثل تپش قلب، دل‌پیچه، حالت تهوع، لرزش و یخ کردن دست و پا و اختلال در خواب و تمرکز حواس رخ دهد. به‌طوری‌که فرد یا در شروع خواب مشکل پیدا می‌کند - یا اینکه دلش می‌خوهد بخوابد، نمی‌تواند - یا اینکه پیوستگی خواب مشکل پیدا میکند یعنی فرد می‌خوابد و نصف شب از خواب بیدار می‌شود. از طرف دیگر ممکن است هیجانات مثبتش بسیار ضعیف شود؛ یعنی به‌سختی احساس خوشحالی، شادی، آرامش را تجربه کند. از طرف دیگر ممکن است تصاویری یا صدهای مربوط به حادثه برای فرد مدام یادآوری شده یا تبدیل به کابوس شود.

اینجا تاراش ما این است که این مرحله، از یک ماه طولانی‌تر نشود، چون در این‌صورت فرد از فاز استرس حاد وارد فاز PTSD (اختلال اضطراب پس از سانحه) می‌شود.

غیر از این مورد، در فاز PTSD، چیزی به نام PTSD تأخیری هم داریم که ممکن است بعد از این یک ماه خود را نشان ندهد، بلکه با گذشتن مدتی از اتفاق، علائم تأخیری واکنش‌های روانی بروز پیدا کند.

🔒 در حال حاضر موضوع جنگ چقدر به اتاق‌های درمان رسیده و مواجهه افراد چطور بوده است؟

در مراجعانی که خارج از کشورند؛ موضوعی که برای من در هفته اول جالب توجه بود و افراد زیادی را شامل می‌شد، این بود که این افراد با اینکه در کشوری کاملاً ایمن زندگی می‌کنند، می‌گویند با صدای باد یا صدای هر برخوردی، وحشت‌زده از جا می‌پریم؛ با اینکه فقط خبر خوانده‌اند و صدای پدافند و انفجار را در ویدئوها شنیده‌اند. در شرایط استرس حاد و PTSD، افرادی که مستقیم درگیر اتفاق نبوده‌اند هم ممکن است، علائم مشابهی را گزارش دهند که به‌واسط خواندن گزارش‌ها یا پیگیری مداوم اخبار است. این موضوع در افرادی مثل خبرنگاران که مدام اخبار را مونیتور می‌کنند و حوادث را با جزئیات بیشتری رصد می‌کنند، هم رخ می‌دهد.

در جامعه آماری مراجعان خودم می‌توانم بگویم افرادی که درمانشان را از قبل شروع کرده بودند، در این واقعه بهتر توانستند هیجانشان را تنظیم کنند. خود مراجعان هم متوجه این اختلاف به نسبت اطرافیانشان بودند. مثلاً اگر فردی اختلال اضطرابی داشته و آن را درمان کرده یا در میانه درمان بوده، شرایط بهتری نسبت به دیگران داشته است. بعضی مراجعان می‌گفتند بدون مصرف دارو توانسته‌اند بخوابند. بنابراین اگر آسیب‌پذیری روانی از قبل پایین آمده باشد، ظرفیت تحمل محرک‌ها افزایش می‌یابد.

🔒 از منظر روانشناسی چیزی به اسم بساجنگ در روان وجود دارد؟

وقتی بحران اتفاق می‌افتد دو واژه برایش داریم: یکی disorder Post-traumatic (PTSD) یا

| سال بیست و یکم | شماره پیاپی ۳۱۶۱ | یکشنبه ۸ تیر ۱۴۰۴ |

می‌سازند از لحاظ سلامت روان بستر چقدر مناسبی باشد. نباید جلوی بچه‌ها تحلیل‌های جدی کرد و جزئیات اخبار را گفت اما در چنین شرایطی نمی‌توان اخبار کلی را از آن‌ها پنهان کرد. بچه‌ها باید تا حدودی بداندند که دوروبرشان چه می‌گذرد اما گفتن جزئیات غیرضروری اشتباه محض است.

🔒 شما چه کارهایی را برای بهبود روان در این شرایط توصیه می‌کنید؟

در حال حاضر فعالیت‌هایی‌که پاراسمپاتیک را تقویت کند، خیلی به درد مردم می‌خورد. مثل تمرین آرام‌سازی تنفسی و عضلانی. فعال کردن هر پنج منبع حسی؛ رایحه‌هایی که آرام‌بخش است، طعم‌هایی که لذت‌بخش است، تصاویری که آدم را آرام می‌کند، موسیقی آرامش‌بخش و... . پوشیدن لباس‌های راحت، ماساژ، فعالیت فیزیکی سبک؛ این‌ها خیلی کمک‌کننده است. وقتی از طریق حواس، آرام‌سازی صورت بگیرد، سیستم عصبی خودکار بخش آرمیدگی را فعال می‌کند.

🔒 موضوع دیگری که مردم در این میان تجربه کردند، حضور خانواده‌های بزرگ، افراد آشنا و غریبه در یک خانه با اعتقادات گوناگون بود. یعنی آدم‌ها با وجود این فشار روانی جنگ، ناچار بودند در یک مکان امن کنار هم باشند و در بعضی موارد این گوناگونی باعث اختلاف شد و به اضطراب‌ها دامن زد.

این هم با آنچه رخ داده مرتبط است. وقتی که چنین بحرانی اتفاق می‌افتد، تحریک‌پذیری افراد بالاتر می‌رود و تکانش‌گری افراد و خشم واکنشی‌شان تندتر می‌شود. در واقع پوسته روانی‌شان نازک است. وقتی آدم‌ها مجبور شده‌اند در شرایط اورژانسی کارشان را تعطیل کنند، خانه‌شان و اتاقشان را ترک کنند و همه با وجود پوسته روانی نازکشان در یک محیط کوچک قرار بگیرند، آسیب‌پذیرترند. این است که خیلی زود اعتراض می‌کنند، هیجانات واکنشی‌شان بالاتر است و زود اشکشان در می‌آید. یک حرف و یک نگاه تحملشان را در هم می‌شکند و دیگر حتی تحمل ناسازگاری بچه‌ها را ندارند. به همین دلیل است که تکانشگری و خشم واکنشی بیشتری دارند. اگر سیستم پاراسمپاتیکی که گفتم به‌درستی فعال شود، این موضوع حل می‌شود اما اگر خودمان را به آن خط پایانی که داشتیم برنگردانیم، ممکن است این وضعیت آسیب‌زا ادامه یابد. کما اینکه خیلی وقت‌ها می‌گوییم که مثلاً «من اینجوری نبودم، بعد از آن اتفاق عصبی شدم، قبل‌تر آدم عصبی‌ای نبودم.» بنابراین این‌ها نباید رسوب کند.

🔒 چه خطری پیش روی جامعه‌ای است که اضطراب جمعی حل‌نشده داشته است؟

جامعه‌ای که بیش از همه نشانه‌های جنگ را تجربه کرده‌اند، اگر قبلاً آسیب‌پذیری‌های روانی مثل اضطراب، افسردگی و وسواس داشته‌اند، ممکن است با تشدید علائم مواجه شوند. به‌خصوص وسواس، چون حواسمان باید باشد که تروما ماشه‌چکان وسواس است. ممکن است وسواس نداشته باشند و حالا با این تجربه رفتار وسواسی نشان دهند و ممکن است وسواسی که داشته‌اند شدید شود؛ چه وسواس فکری، چه عملی. از طرف دیگر کسانی که آسیب‌پذیری روانی داشته‌اند ممکن است حاشان به‌شدت بد شود. دسته‌ای دیگر افرادی هستند که از قبل مشکل خاصی نداشته‌اند و حالا در گروهی قرار می‌گیرند که استرس حاد را تجربه می‌کنند؛ برای این افراد اکنون بهترین مرحله بازسازی است تا تعداد مبتلایان PTSD پایین بیاید.

🔒 شما از یک ماه طلایی گفتید که باید کاری برای کنترل و بهبود روان کاری انجام داد. ساده‌ترین اقدامی که در این مدت می‌توانیم انجام دهیم چیست؟

حداقل کاری که می‌توان کرد این است که جلساتی گروهی - که لزوماً خیلی تخصصی هم نیست - برگزار شود. آدم‌ها دور هم جمع شوند و روایت‌هایشان را از مواجهه با جنگ بگویند. سوالاتی که در این مدت از مراجعانم پرسیده‌ام این‌هاست: خبر اولیه را چطور متوجه شدی؟ اولین واکنشت به اتفاق چه بود؟ بدترین خبری که شنیدی طی این دو هفته چه بود؟ روایت کردن، خودش درمان است. وقتی فرد بحرانی‌که تجربه کرده را بازگویی می‌کند و آن را به کلام می‌آورد، یعنی موضوع فقط از ذهنش نمی‌گذرد. یکی از مراحل مهم در تنظیم هیجان همین است که فرد همان‌طور که دوباره روایت می‌کند، تجربه دیگران را می‌شوند و تجربه خودش را مرور می‌کند، در این میان سیستم هیجانی، در حال بازپردازش هیجانات است. اما در بازپردازش چه اتفاقی می‌افتد؟ آن داغی هیجانات شروع می‌کند به سرد شدن و از طرف دیگر، شبکه ترسی که در بحران بیش از اندازه بزرگ شده بود، رفته‌رفته به اندازه طبیعی خودش بازمی‌گردد. امیدوارم کتابخانه‌ها یا مراکز فرهنگی، جمع‌هایی را راه‌اندازی کنند تا بازگویی روایت‌ها شکل بگیرد. من فکر می‌کنم انجمن روانشناسی ایران هم کانال معتبری است که در این زمینه خدماتی ارائه می‌دهد.

روش دیگر این است که افراد تجربه‌شان را از این شرایط بنویسند. وقتی به سیستم تنظیم هیجان کمک می‌کنیم که کار کند، به واسطه حفظ کارکرد طبیعی این سیستم، خواهی‌نخواهی هیجان تبدیل می‌شود؛ بنابراین خشم تبدیل می‌شود، ترس تبدیل می‌شود. اما اگر این چرخه قفل شود و هیجاناتی که در بحران تجربه کردم رسوب کند، به اختلالات روانی تبدیل خواهد شد و علائم روان‌تنی پایدار می‌شود. ما می‌خواهیم جلوی رسوبش را بگیریم. همان جلسات بازگویی که اشاره کردم، آسان‌ترین کاری است که می‌توان کرد. این بخشی است که در کنترل ماست. مثل این است که آدمی با کفش بادش؛ هرچند اگر به‌ظاهر حالمان خوب شده باشد.

🔒 کودکان چطور؟ آن‌ها اگر در معرض صدای انفجار و پدافند نبودند، دست‌کم در معرض اخبار جنگ و اضطراب و هیجان بزرگسالان بوده‌اند. با آن‌ها چطور باید رفتار کرد؟
طبیعتاً بخشی از سلامت روان کودکان به بزرگترها وابسته است؛ اینکه بزرگترها محیطی که برایشان

از طرف دیگر، وقتی افراد می‌بینند آمادگی برگشت به حالت عادی را ندارند نباید زوربزند که رویتن قبلی‌شان را حفظ کنند، البته در عین حال نباید فعالیتشان صفر شود. باید فعالیت‌های حداقلی را حفظ کنند. مثلاً من باشگاه می‌رفته‌ام و الان تحمل محیط شلوغ را ندارم و مضطرب می‌شوم؛ پس نباید بروم باشگاه اما باید فعالیت فیزیکی محدودی داشته باشم که اسداد بدنی برایم رخ ندهد که منجر به بروز یا تشدید علائم روان‌تنی نشود. یا مثلاً اگر قبلاً کتاب می‌خواندم و الان تمرکز ندارم، به کارهای نیازمند تمرکز اصرار نداشته باشم چون احساس ناکافی‌بودن و بی‌کفایتی بخوانم کرد، ولی دست‌کم یک پاراگراف بخوانم. نباید بگذاریم موتور روانی بخوابد؛ با این روش رفته‌رفته موتور روانی گرم می‌گردد و می‌تواند دور بگیرد. اگر قبل از گرم‌شدن، فشار وارد کنیم، بعدها برایمان فشار روانی خواهد داشت؛ هرچند اگر به‌ظاهر حالمان خوب شده باشد.

🔒 کودکان چطور؟ آن‌ها اگر در معرض صدای انفجار و پدافند نبودند، دست‌کم در معرض اخبار جنگ و اضطراب و هیجان بزرگسالان بوده‌اند. با آن‌ها چطور باید رفتار کرد؟

طبیعتاً بخشی از سلامت روان کودکان به بزرگترها وابسته است؛ اینکه بزرگترها محیطی که برایشان

«اختلال اضطراب پس از سانحه» و دیگری PTG (Post-traumatic growth) یا «رشد پس از سانحه». مطالعات به ما می‌گوید الزاماً یک بحران یا فاجعه، مثل جنگ یا زلزله، آدم‌ها را از لحاظ روانی در مسیر سرازیری نمی‌نندازد. بعضی وقت‌ها مغز سیم‌پیچی‌اش را عوض می‌کند و رشدی پس‌ازسانحه حاصل می‌شود. در واقع ظرفیت‌های روانی افراد بعد از تجربه آن بحران افزایش می‌یابد. اما اینکه چقدر رشد پس از بحران افتاده بیفتند، بستگی به ظرفیت روانی افراد دارد؛ اینکه آیا بستر روانی مناسب‌تری دارند یا نه

🔒 افرادی بودند که در این جنگ با وجود اضطراب زیاد، ناگهان توانستند ماجرا را کنترل کنند و مثلاً درباره ترک خانه تصمیمی قاطع بگیرند. اما حالا بعد از آتش‌بس و بازگشت شرایط نسبتاً عادی، با صدای عبور ماشین‌های سنگین و لرزش‌های ریز ساختمان، به‌شدت می‌ترسند یا خیلی ساده به گریه می‌افتند. در این فرایند عجیب چه اتفاقی برای روان می‌افتد و چطور می‌توان دوباره کنترل روان را به دست گرفت؟

در این مورد، با وقوع اتفاقی مثل جنگ، مکانیسم بقا برای کاهش تلفات یا آسیب به کار افتاده است. یعنی هیجان به جای تنظیم‌شدن، سرکوب شده است. اگر هیجان تنظیم شده بود، شاهد این احوال در روان فرد نبودیم. هیجان سرکوب شده است و حالا مثل فتری که به پایین فشرده شده بود، به ناگه برمی‌گردد بالا. بنابراین دوباره علائم اضطرابی را تجربه می‌کند. اما این فاز نباید طولانی شود؛ افرادی با این تجربه باید در همین فاز روی علائم فیزیکی، فکری و هیجانی خود کار کنند. این مرحله که هنوز زخم تازه و باز است، مناسب‌ترین زمان برای ترمیم است.

🔒 برای افرادی که در مواجهه با این جنگ، غم را بیشتر از اضطراب تجربه کرده‌اند، سوگ تا چه زمانی ادامه خواهد داشت؟

ما نمی‌توانیم واکنش اولیه افراد را پیش‌بینی کنیم. غم‌زده بودن یا مضطرب‌بودن و واکنش‌های متنوع افراد است. خود من در روزهای اخیر بیشتر از اینکه اضطراب و استرس را تجربه کنم، غم را تجربه می‌کنم. مثلاً شبی که از صدای انفجار بیدار شدم، بیشتر برایم تجربه‌ای غم‌انگیز بود تا اضطراب‌آور. در این روزها دیدم که مضطرب نبودن را نوعی مکانیسم دفاعی نام‌گذاری کرده‌اند اما اصلاً اینطور نیست. واکنش آدم یا توجه به آسیب‌پذیری روانی‌اش متفاوت است. واکنش‌ها حتی می‌تواند ترکیبی از این احساسات باشد؛ یعنی من هم ترسیده باشم، هم غمگین باشم و هم شرمگین از اینکه کاری از دستم بر نمی‌آید یا نمی‌توانم از خانواده‌م محافظت کنم، یا اینکه در این شرایط جنگ نمی‌توانم درآمد داشته باشم و هم‌زمان خشمگین هم باشم.

این میان وقتی غم خود را نشان می‌دهد، اگر به‌خاطر تجربه سوگ باشد؛ مثلاً کسی محله‌اش را از دست داده است، یا دانشگاهش را از دست داده و تا اطلاع ثانوی نمی‌تواند به آنجا برود، یا کسی که دوستی را از دست داده یا خانواده‌هایی که عزیزشان را از دست داده‌اند، همه در روند سوگ قرار می‌گیرند. بعضی منابع می‌گویند به‌طور طبیعی روند سوگ می‌تواند حتی تا دو

گلستان |

هدیه ویژه شرکت مخابرات به مشترکان تلفن ثابت

حبیبه مومنی – به گزارش روابطعمومی مخابرات منطقه گلستان، شرکت مخابرات ایران در راستای تکریم مشترکان تلفن ثابت خانگی، طرحی تشویقی با محوریت ارائه ۵ هزار دقیقه مکالمه رایگان درون‌استانی و نیز یک ماه مکالمه رایگان درون‌استانی و برون‌استانی را به اجرا گذاشته است.

دکتر غلامعلی شهمردادی، مدیر مخابرات منطقه گلستان، با اعلام این خبر اظهار داشت: این اقدام در راستای سیاست‌های مشتری‌مداری و به‌منظور ارج‌نهادن به همراهی مشترکان وفادار تلفن ثابت انجام شده است.

هدف ما تسهیل برقراری ارتباط و فراهم‌سازی بستری مقرون‌به‌صرفه برای استفاده حداکثری از خدمات مخابراتی در سطح استان است.

او با تأکید بر استمرار ارائه خدمات مبتنی بر رضایتمندی مشترکان افزود: امیدواریم با اجرای این طرح، گامی مؤثر در جهت تقویت ارتباطات درون‌استانی و ارتقاء سطح بهره‌مندی از خدمات تلفن ثابت برداشته شود لازم به ذکر است مشترکان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره ۲۰۲۰ تماس داشته باشند.

۳۱۵ و ۲۰۰ میلی‌متر در حال انجام است.

محمدی بیان کرد: با بهره‌برداری از این خط انتقال، افزون بر خدمات‌رسانی به زائران، زیرساخت لازم برای تأمین آب پروژه‌های توسعه مسکن در مهران نیز فراهم می‌شود؛ همچنین در صورت بهره‌برداری از طرح سامانه گرمسیری و رسیدن آن به شهر مهران، این خط می‌تواند نقش مؤثری در تأمین آب پایدار شهر مهران ایفا کند.

او تأکید کرد: این پروژه با هدف ارتقای زیرساخت‌های آب‌رسانی در منطقه مرزی مهران با جدیت در حال اجرا است و تا پیش از اربعین امسال به بهره‌برداری می‌رسد.

مرز مهران به سبب نزدیکی مسافت به عتبات‌عالیات و امنیت طول مسیر در داخل خاک عراق مهم‌ترین و اصلی‌ترین گذرگاه زمینی کشور محسوب می‌شود.

بر پایه آمار رسمی، سال گذشته هشت میلیون زائر و مسافر از پایانه مرز بین‌المللی مهران ۸۵ کیلومتری جنوب باختری ایلام تردد کردند.

پیام ایران

ا ق م |

جریمه ۲۲ میلیارد ریالی برای صیاد پرنندگان شکاری در قم

ثریا زنگنه – مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان قم گفت: یک متخلف در حوزه محیط‌زیست به جرم قاچاق ۱۱ پرنده شکاری به پرداخت ۲۲ میلیارد ریال جریمه نقدی محکوم شد.

سیده مریم محمدی گفت: فردی که به جرم قاچاق ۱۱ قطعه پرنده شکاری از شمال کشور، با همکاری نیروی انتظامی در استان قم دستگیر شده بود، با تایید دادگاه تجدیدنظر به پرداخت ۲۲ میلیارد ریال جریمه نقدی و سه سال حبس محکوم شد او با بیان اینکه این متخلف زیست‌محیطی به یک سال حبس تعزیری و دو سال حبس تعلیقی محکوم شده است، اظهار کرد: مطابق مصوبه شورای‌عالی محیط‌زیست کشور، درصورتی‌که پرنندگان شکاری به‌صورت غیرمجاز شکار یا زنده‌گیری شوند، مشمول ضرر و زیان مربوطه می‌شوند.

به نقل از روابط‌عمومی اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان قم، او افزود: این حکم به دلیل حمایت ویژه از این‌گونه‌های مهم و در معرض خطر انقراض و در نظر گرفتن این موضوع که جابه‌جایی و قاچاق این پرنندگان ارزشمند، موجب تلف‌شدن آن‌ها و یا خارج‌شدن آن‌ها از زنجیره حیات‌وحش می‌شود، وضع شده است.

البرز

معاون فنی منابع طبیعی البرز:

البرز ۱۱ هزار هکتار جنگل دست‌کاشت دارد

منصوریار – معاون فنی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان البرز با اشاره به وجود ۱۱ هزار هکتار جنگل دست‌کاشت در استان، از تولید و توزیع ۲۲ میلیون اصله نهال طی دو سال نخست اجرای طرح ملی «کاشت یک میلیارد درخت» خبر داد. مهدی میردار گفت: این طرح از سال ۱۴۰۲ آغاز شده و تا پایان سال ۱۴۰۵ ادامه دارد. اکنون استان البرز در سال سوم تولید نهال و دومین سال اجرای کاشت قرار دارد. میردار اظهار کرد: طرح ملی کاشت یک میلیارد درخت با چهار هدف عمده شامل احیا و توسعه جنگل‌ها، توسعه فضای سبز، زراعت چوب و بیابان‌زدایی طرح‌ریزی‌شده است. از ابتدای اجرای این طرح، البرز با بهره‌گیری از ظرفیت نهالستان‌های دولتی و خصوصی، اقدامات چشمگیری در محورهای این طرح انجام داده است. به گفته او، در سال اول طرح، یک میلیون و ۲۰۵ هزار اصله نهال توسط نهالستان‌های دولتی تحت مدیریت اداره کل توزیع‌شد که از این میزان، ۶۷۶ هزار اصل در داخل استان کاشته و ۵۲۹ هزار اصل دیگر به استان‌های هم‌جوار نظیر تهران، قزوین، قم، یزد، زنجان، اصفهان و… ارسال شد

توسعه جنگل، زراعت چوب، بیابان‌زدایی و فضای سبز
میردار با اشاره به اهداف چهارگانه طرح ملی افزود: در

۷

چهارمحال بختیاری |

۹۰ طرح آب‌وفاضلاب در چهارمحال وبختیاری در حال اجرااست

کامران محمدی – مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب چهارمحال‌وبختیاری گفت:هم‌اکنون ۹۰ طرح مرتبط با این شرکت در استان در مرحله اجرایی قرار دارد.

محمد کریمی مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب چهارمحال‌وبختیاری روز شنبه ۷ تیر در خصوص آخرین طرح‌های اجرایی آنفا در استان تأکید کرد: این طرح‌ها با هفت هزار و ۲۰ میلیارد ریال تخصیص علاوه بر توزیع آب آشامیدنی به‌عنوان وظیفه ذاتی و همیشگی شرکت آب‌وفاضلاب است. مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب چهارمحال‌وبختیاری میانگین پیشرفت فیزیکی طرح‌های آب‌وفاضلاب چهارمحال‌وبختیاری را ۲۰ تا ۸۰ درصد دانست افزود: این طرح‌ها در مدت تجاوز نظامی رژیم اسرائیل علیه ایران تعطیل نشدند و حتی برخی از این طرح‌ها با تلاش شبانه‌روزی نیروها قبل از تکمیل به بهره‌برداری رسیدند.

کریمی مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب چهارمحال‌وبختیاری تصریح کرد: آب‌رسانی برای رفع کمبود آب آشامیدنی، بهسازی چشمه، لوله‌گذاری و انتقال آب به مخزن از مهم‌ترین طرح‌های شرکت آب‌وفاضلاب چهارمحال‌وبختیاری با هدف تسریع و بهبود در روند خدمات‌رسانی به مردم استان به شمار می‌رود. هم‌اکنون ۳۹۰ هزار مشترک آب در چهارمحال‌وبختیاری از خدمات شرکت آب‌وفاضلاب استان بهره‌مند هستند. چهارمحال‌وبختیاری ۱۲ شهرستان با یک میلیون نفر جمعیت دارد.

سام‌ما

خبر

سرپرست آب منطقه‌ای کرمانشاه:

۶۰ درصد ظرفیت سدهای کرمانشاه خالی است

کرمانشاه، نیابوری - به‌گفته سرپرست شرکت آب منطقه‌ای کرمانشاه، نزدیک به ۶۰ درصد ظرفیت سدهای کرمانشاه خالی است.

مرتضی حسن‌آبادی گفت: با اشاره به وضعیت ذخیره آب سدهای مخزنی استان کرمانشاه، گفت: در حال حاضر از ظرفیت حدود یک میلیارد و ۳۴۵ میلیون مترمکعبی سدهای استان، حدود ۵۴۲ میلیون مترمکعب آن پُر بوده و مابقی ظرفیت سدهای استان خالی است.

او اظهار کرد: در حال حاضر حدود ۴۰ درصد ظرفیت سدهای استان پُر بوده و نزدیک ۶۰ درصد این ظرفیت نیز خالی است. سرپرست شرکت آب منطقه‌ای استان کرمانشاه خاطر‌نشان کرد: هیچ‌کدام از سدهای استان کرمانشاه هم اکنون در وضعیت سرریز قرار ندارند.

حسن‌آبادی آورد سدهای استان از ابتدای سال آبی جاری (ابتدای مهر ۱۴۰۳) تاکنون را نیز یک میلیارد و ۲۳ میلیون مترمکعب اعلام کرد.

او با اشاره به ورود به فصل گرما و روند افزایشی مصرف آب و همچنین استفاده از ظرفیت برخی از سدها از جمله گاوشان و سلیمان‌شاه برای تأمین آب شرب شهرهای استان، یادآور شد: لازم است ذخیره سدها خصوصاً سدهایی که تأمین آب شرب را بر عهده دارند، به خوبی مدیریت شود.

خلع ید ۴۳ هکتارزمین

ملی درخراسان شمالی

خراسان شمالی، اعظم استادی - فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان شمالی گفت: ۴۳ هکتار از اراضی ملی استان در سه ماهه نخست امسال از دست متصرفان خارج و به بی‌اهتمام بازگردانده شد.

سرهنگ رضا اصیل روز شنبه ۷ تیر اظهار کرد: در این مدت، ۳۴ فقره رفع تصرف و خلع ید اراضی ملی با دستور مقام قضایی و با همکاری نیروهای یگان حفاظت اداره کل منابع طبیعی، نیروهای نظامی و انتظامی به اجرا درآمد.

او فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی خراسان شمالی ادامه داد: حضور میدانی مستمر نیروهای یگان حفاظت در عرصها و تشدید گشت‌های نظارتی، نقش مؤثری در کاهش تخریب، تصرف و آتش‌سوزی در منابع طبیعی استان داشته است.

سرهنگ اصیل با اشاره به اقدامات فرهنگی و پیشگیرانه برای صیانت از اراضی ملی گفت: در سه ماهه اخیر، کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی متعددی با مشارکت دهیاران و شوراهای روستاها برگزار شد تا مشارکت مردمی در حفاظت از منابع طبیعی افزایش یابد.

او اضافه کرد: در همین مدت، ۸۷ تماس مردمی مؤثر یا سامانه ۱۵۰۴ یگان حفاظت ثبت شد که منجر به پیگیری و اقدام قانونی شد. بر اساس آمار، خراسان شمالی دارای ۲ میلیون و ۳۳ هزار هکتار عرصه منابع طبیعی است که شامل ۱.۵ میلیون هکتار مرتع، ۱۸۳ هزار هکتار بیابان و ۴۳۴ هزار هکتار جنگل می‌شود.

رفع تصرف ۱۷۱ هزارمتر

مربع اراضی ملی آذربایجان غربی

آذربایجان غربی، خادم‌ومنی - مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی گفت: ۱۷۱ هزار مترمربع از اراضی ملی و دولتی در یک‌سال گذشته رفع تصرف شده که ارزش این اراضی ۲۲۹ میلیارد ریال برآورد می‌شود.

پیمان آرمون روز شنبه ۷ تیر در دیدار از اراضی رفع تصرف شده در استان آذربایجان غربی، افزود: بر اساس کارشناسی‌های انجام شده اراضی رفع تصرف شده از رشد ۹۰درصدی نسبت به سال گذشته برخوردار است.

او با اشاره به کاهش ۲۶ درصدی تصرفات در سال جاری، یادآور شد: دربخش پیگیری از وقوع و رفع تصرف فوری نیز شاهد کاهش تخلفات هستیم و وقوع تصرف، امسال ۲۸ مورد بوده است.

مدیرکل راه و شهرسازی آذربایجان غربی گفت: آرمون با اشاره به انجام اقدامات پیشگیرانه و رفع تصرف فوری تعارضات، اضافه کرد: این اقدامات یکی از اهداف و برنامه‌های محاکم قضایی است؛ این مسئله در اولویت‌کاری کارکنان و نیروهای یگان حفاظت از اراضی اداره کل راه و شهرسازی آذربایجان غربی قرار دارد از وقوع تخلفات جلوگیری شود.

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز

نمای کلی از جنگل کوه‌سار در استان البرز



مدیر جهاد کشاورزی

شهرستان دلگان : خرما

در تقویت اقتصاد منطقه

و ارزآوری از طریق صادرات

نقش کلیدی دارد. امیدواریم

با ادامه این روند، دلگان

همچنان به‌عنوان

یکی از مراکز اصلی تولید

خرما در کشور مطرح باشد

سیستان و بلوچستان، عباس‌نژاد – مدیر جهاد کشاورزی شهرستان دلگان گفت: با فرارسیدن فصل برداشت خرما، برداشت زودرس این محصول استراتژیک در شهرستان دلگان استان سیستان و بلوچستان آغاز شده است.

قنبر نارویی افزود: این شهرستان که یکی از قطب‌های مهم تولید خرما در کشور به شمار می‌رود، امسال نیز با تلاش کشاورزان سخت‌کوش، شاهد برداشت محصولی باکیفیت و فراوان است.

نارویی گفت: امسال با توجه به شرایط آب‌وهوایی مساعد و مدیریت صحیح منابع آبی، پیش‌بینی می‌شود تولید خرما در دلگان افزایش قابل‌توجهی داشته باشد. ارقام متنوعی از خرمایی زودرس مانند آشوبه، آبی مهتری، کونومی، برنی، شکر، آب‌دندان و ربی سرچاهی در این شهرستان کشت می‌شود که هر کدام از نظر طعم و کیفیت، جایگاه ویژه‌ای دارند.

او افزود: جهاد کشاورزی شهرستان دلگان

اردبیل

معاون آب منطقه‌ای اردبیل:

منابع آبی سد یامچی اردبیل ناکافی است

کبری سعادتی – معاون حفاظت و بهره‌برداری آب منطقه‌ای اردبیل با اشاره به ناکافی بودن منابع آبی سد یامچی اردبیل گفت: اولین اولویت ما تأمین آب آشامیدنی شهروندان است و تلاش داریم تخصیص آب به صنعت و کشاورزی را در استان محدود کنیم.

حمید فضایی روز شنبه ۷ تیر اظهار کرد: از سد یامچی آب اهالی اردبیل و سرعین را تأمین می‌کنیم و به هیچ وجه امکان تأمین سایر نیازمندی‌ها از این سد وجود ندارد.

او به وضعیت بحرانی این سد و کاهش منابع آن تا ۲۰ لیتر در ثانیه اشاره کرد و گفت: در صورت نبود مدیریت مصرف، اواسط تابستان با مشکل تأمین آب در اردبیل روبرو خواهیم شد. معاون حفاظت و بهره‌برداری آب منطقه‌ای اردبیل بیان کرد: اگر حقایق‌های برای محیط‌زیست و بخش کشاورزی استان مثل گذشته اختصاص داده شود با کمبود آب آشامیدنی مردم مواجه خواهیم شد فضایی با بیان اینکه امسال آورد آب رودخانه بالمشلو اردبیل ۳۰ درصد نسبت به سال گذشته کاهش یافته است، افزود: میزان ورودی آب از رودخانه بالمشلو به مخزن سد یامچی به کمتر از ۲۰۰ لیتر درثانیه رسیده درحالی‌که طی سال‌های گذشته در همین ایام سال یک هزارلیتر در ثانیه آب وارد این سد می‌شد.او تصریح کرد: رودخانه بالمشلو به دلیل شرایط خشکسالی حاکم در



استان اردبیل با کم‌آبی شدید مواجه شده و به همین علت ذخیره آب سد یامچی با ۸۱ میلیون متر مکعب حجم مخزن که بر روی این رودخانه احداث شده، به شدت کاهش یافته است.

ت **ا** **م** **خ** **ن** **س** **د** **ی** **ا** **م** **چ** **ی** **ا** **ر** **د** **ب** **ی** **ل** **ا** **ک** **ا** **ف** **ی** **ا** **س** **ت**

معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای اردبیل اظهار کرد: آب مخزن سد یامچی به عنوان تأمین‌کننده آب آشامیدنی شهرستان اردبیل در یک دهه اخیر به شدت کاهش یافته و به علت اولویت‌تأمین آب آشامیدنی شهروندان، به‌اساس آب از منابع و ذخایر این سد طی چند سال اخیر انجام نشده است.

او تخصیص آب و مدیریت منابع آب را مهم‌ترین وظیفه شرکت آب منطقه‌ای اردبیل ذکر کرد و



عکس نوشت



احمدرضا محمدی، روزنامه‌نگار تاریخ عکس، پنجم تیر ۱۳۲۴ است، یعنی ۸۰ سال پیش. آن‌کس که نشست مصطفی عدل است و آنان که ایستاده‌اند از راست سیدباقر کاظمی، علی‌اکبر سیاسی و نصرالله انتظام - و البته الهیار صالح، قاسم غنی، صادق رضازاده شفق، جلال عبده، و لطفعلی صورنگر که بوده‌اند و در این تصویر نیستند - مکان اما کنفرانس سان‌فرانسیسکو است و عدل در جایگاه ریاست هیأت نمایندگی ایران، دارد منشور ملل متحد را امضا می‌کند تا سرمنشأ تأسیس سازمان ملل متحد باشد. از طنز روزگار درست در آستانه هشتادمین سال این نهاد، دولتی نامشروع، ملتی بی‌گناه را به خاک و خون کشید و این ناظر بین‌المللی، عکس شان زلزلش، هیچ‌کاری نتوانست یا نخواست بکند.

تئاتر

تامین امنیت فضاهای نمایشی و شروع فعالیت گالری‌ها

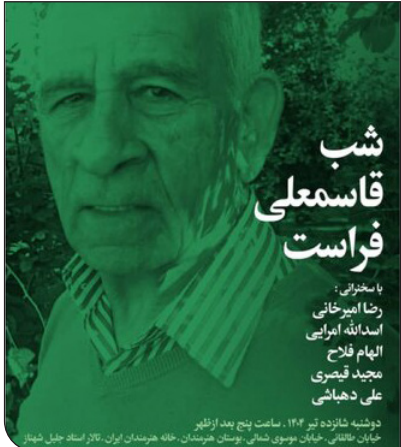
معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد درباره از سرگیری فعالیت‌های نمایشی و گالری‌ها، نکاتی را عنوان کرد. نادره رضایی درباره ادامه فعالیت گالری‌ها گفت: تعدادی از گالری‌ها فعالیت خود را از سر گرفته‌اند و به زودی از آنها بازدید می‌کنیم. او درباره آغاز فعالیت‌های هنری هم توضیح داد: از آنجاکه ضرورت داشت، فعالیت‌های هنری از سر گرفته شود و همچنین باید زیست جاری مردم به شرایط عادی برگردد و در عین حال با توجه به نقش هنر از منظر تاب‌آوری و نیز گذر کردن از شرایط دشوار، اجراها را از سر گرفتیم. ایسنا



نثشت

شبی برای «قاسمعلی فراست»

نثشت «شبهای بخارا» این‌بار به قاسمعلی فراست، داستان‌نویس پیشکسوت، اختصاص یافته است. این برنامه روز دوشنبه ۱۶ تیر از ساعت ۱۷ در تالار جلیل شهناز خانه هنرمندان برگزار می‌شود. در این نثشت رضا امیرخانی، اسدالله امرایی، الهام فلاح، مجید قیصری و علی دهباشی درباره آثار و زندگی فراست سخن خواهند گفت. فراست با مجموعه داستان «زیارت» شناخته شد و آثار متعددی در حوزه دفاع مقدس نوشت، از جمله «نخل‌های بی‌سر» و «گل‌ب خاتم». او همچنین در زمینه کتاب‌شناسی نیز فعالیت داشته است.



دیدگاه

شعر چگونه چهره پنهان جنگ را آشکار می‌کند؟

ما رفتگان، با برف و بوران باز می‌گردیم



که دستاوردهای فرهنگی، هنری و فکری بشر در خود ردپای جنگ، سلطه و ستم را نیز حمل می‌کنند.

هنر مدرن، می‌تواند با پرهیز از هارمونی و زیبایی‌های دروغین، بدون آنکه به تبلیغات یا تسلی‌بخشی ایدئولوژیک بلغزد، به این حقیقت دوگانه اشاره کند. به همین دلیل آدورنو در نهایت راهی برای هنر پس از آشویتس باز می‌گذارد، البته هنری که آگاه از شکست، گسیختگی و زخم‌های تاریخ باشد.

هنر به‌ویژه شعر، یکی از کهن‌ترین ابزارهای انسان برای بازنمایی رویدادهای تاریخی و جمعی است. از حماسه‌های «هومر» تا مرثیه‌های جنگ در خاورمیانه، شاعران کوشیده‌اند با زبان استعاره، اسطوره و تصویر، تجربه جمعی ملت‌ها را بیان کنند. در شعر فارسی معاصر نیز این سنت روایتگری به‌ویژه در مواجهه با جنگ، خشونت و ویرانی، حضوری پررنگ دارد. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های آن، شعر «نام تمام مردگان یحیی است» از «محمدعلی سپانلو» است؛ شعری که در خود، نوعی تقابل انتقادی با روایت‌های رسمی از جنگ و مرگ را رقم می‌زند.

سپانلو این شعر را در سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق سروده است. دوره‌ای که «شعر مقاومت» در اوج بود و بسیاری از شاعران روایت‌هایی در ستایش قهرمانان جنگ می‌نوشتند. اما سپانلو شعر مقاومت را در سنتی غیرمستقیم می‌نویسد، جریانی که در جهان عرب با «آدونیس» و «محمود درویش» پیوند دارد و در آن، استعاره جای شعار، و تردید جای قطعیت را می‌گیرد.

شعر می‌تواند با برهم‌زدن نظم مرثی/ ناملری موجود، امکان دیدن و شنیدن وجوه مغفول بحران را فراهم آورد. روایت‌هایی را بازنمایی کند که در گفتمان‌های سیاسی - نظامی حذف یا فراموش شده‌اند و یا با عباراتی مانند «تعداد کشتگان و زخمی‌ها»، به اعداد و ارقام تقلیل‌یافته‌اند.

«نام تمام مردگان یحیی است» یک روایت آلت‌رئاتیو از جنگ است؛ روایتی که هم‌زمان هم به سنت شعر حماسی فارسی پشت می‌کند و هم روایت‌های رسمی رسانه‌های جنگ را پس می‌زند. این شعر با فروکاستن حماسه به امر کودکان، با زدودن نام‌های خاص و با ایجاد چندصدایی و تعلیق معنای مرگ، فضایی تازه می‌گشاید؛

جایی که تاریخ نمی‌تواند به حد و حدود آن دست یابد. «... نام تمام بچه‌های رفته در دفترچه دریاست. بالای این ساحل فراز جنگل خوشگل در چشم هر کوبک گوارهای بر پاست...»

اینجا مرگ با فراموشی درآمیخته و نام کودکان «در دفترچه دریا» نوشته شده است. این دفتر بر خلاف کتاب‌ها و متون تاریخ، جغرافیایی حاشیه‌های، ساکت، ساکن و خاموش است. در این جهان فقدان، این شعر است که می‌تواند به جهان محذوفان، جان، موجودیت و روشنی ببخشد.

ایده محوری سپانلو در مهندسی این شعر، یکسان‌سازی و نام‌گذاری تمام مردگان با یک نام است: یحیی. این نام در معنا و روایت‌های پیشین، زنده‌بودن و جاودانگی را به ذهن می‌آورد.

«بی‌خود نترس ای بچه تنها نام تمام مردگان یحیی است» متن به کودک، تسکین و تسلی می‌دهد که تو تنها نیستی و همه مردگان این نام را دارند؛ اما در این هم‌نامی حقیقتی تلخ نهفته است: هیچ‌کدام از کودکان، هویت یگانه و خاص خود را ندارند و همه در «غیاب» و «نام‌ناپذیری» مشترکند. این نام‌زدایی از مردگان، نقدی بنیادین بر شیوه تثبیت هویت در گفتمان قدرت است که بر برجسته‌سازی و جاودانگی فردی تأکید دارد.

همان‌گونه که «پیل ریکور» یادآور می‌شود، انسان در بستر روایت شکل می‌گیرد. تاریخ غالباً با خلق هویتی کلی و همگانی، از پیرداختن به روایت‌های فردی و سرگذشت‌های یگانه می‌گریزد؛ اما سپانلو در یک موقعیت پارادوکسیکال، هم‌زمان با نام‌زدایی و نام‌بخشی، این روایت را ناتمام، گسسته و چندپاره می‌سازد.

از نقاط اوج تصویرسازی شعر، تصویر کودکانی است که مانند گنجشکان روی سیم برق نشسته‌اند: «... یک دسته کودک را که چون یک خوشه گنجشک بر پنج سیم برق هر شب، گرد می‌آیند»

در این تصویر، شهر که در روایت مرسوم، صحنه مقاومت و پیروزی است، به مکانی بدل شده که یحیی‌ها، یعنی کودکان مرده بر سیم برق نشسته‌اند. این تصویر به‌روشنی نقد روایت حماسی است که جا و جان کودکان در آن حذف شده است؛ اما زبان این فقدان، زبانی عجیب است: موسیقی.

تروما آن چیزی نیست که دیده و در حافظه ثبت شده باشد، بلکه امری است که دیده و فهم نشده است و بعدها بازمی‌گردد. در این شعر نیز، فقدان‌های تاریخ رسمی، به شکل ارواح آوازخوان بازمی‌گردند. چنین مواجهه‌ای با تاریخ، گشودن زخم‌های التیام‌یافته است، تلاشی است برای اینکه تاریخ به‌جای خاطراتی کامل و مطلق، به تجربه‌ای ناگفته، گسسته و ناتمام بدل شود. در نتیجه، شعر سپانلو در عین نقد رادیکال خود به روایت غالب، در پایان راه، در را بر «احیای زندگی»، «تولد دوباره» و «حضور بهار» می‌گشاید. این امیدبخشی چون شعرگونه و غمناک نیست، به‌مراتب باورپذیرتر و شاعرانه‌تر می‌نماید. امیدی شکسته، انسانی و صادقانه است که از دل ویرانی برآمده.

بازخوانی این شعر در پرتو جنگ امروز معنایی دوگانه می‌یابد. از سویی، همچون جنگ با عراق، مرگ و سکوت را یادآوری می‌کند؛ از سویی دیگر، با تعلیق پایان‌بخش حذف‌شدگان بدل می‌سازد. صدهایی که جنگ آن‌ها را از میان برده اما شعر توانسته دوباره احیایشان کند. سپانلو در این شعر و در تضاد با تاریخ، حذف‌شدگان را انتخاب

می‌کند و به آنان اولویت و هویت می‌بخشد. او حتی قهرمانان اسطوره‌ای فرهنگ ایرانی را نیز به‌نقد می‌کشد. اسفندیار، نماد پهلوانی و جنگ در این شعر، دیگر جنگاور و شجاع نیست. روایت کلان پهلوانی، به بی‌وزنی فرومی‌ریزد.

«اسفندیار مردای (بی‌وزن، مانند حیاب کوچک صابون) تا می‌نشیند شعر می‌خواند...»

گرچه فضای کلی شعر مرثیه‌گون و اندوه‌بار است؛ اما سپانلو به‌کلی در جهان فقدان و خاموشی متوقف نمی‌ماند. در بخش‌های پایانی، حرکت شعر به‌سوی نوعی «احتمال زندگی» و «امکان بهار» تغییر جهت می‌دهد. این تحول تدریجی و زیرپوستی با حضور استعاره‌هایی از موسیقی، جشن و حتی طبیعت آغاز می‌شود. اینجا کودک، شادی، زندگی روزمره و بازی که همگی در هیاهوی جنگ حذف و غایب می‌شوند بار دیگر به صحنه آمده و برای یادآوری حیات بالقوه در جهان خاموشی از نو زاده می‌شوند.

مفهوم «آستانگی» که «ویکتور ترنر» به آن پرداخته، در این شعر حضوری بنیادین دارد. در واقع کل شعر بر «آستانه» ایستاده است: آستانه سال نو، آستانه مرگ و زندگی، آستانه خواب و بیداری، آستانه روایت رسمی و بدیل آن. سپانلو، با ایستادن بر این آستانه، شعرش را از خطر سقوط به دام زبان حماسی و قطعیت‌بخش می‌رهاند. شعر او در برزخ می‌گذرد، و این برزخ، فضایی برای اندیشیدن به امر فراموش‌شده فراهم می‌کند. شعر حتی در مواجهه با زمستان که معمولاً نماد توقف و سردی است، امیدی نهان به «بهار» یا مطرح می‌کند: «ای برف بیار

بر فکر بهار بر جنگل و دشت و شهر و چن‌پاره می‌سازد...»

برف، در اینجا هم پوشش مرگ است و هم پیش‌درآمد زایش و باروری. این تضاد بنیادین، نقطه «امکان دومعتابی» در روایت است: لحظه‌ای که روایت می‌تواند به سمت یأس یا امید میل کند. سپانلو با حفظ این ابهام، احتمال زندگی را زنده نگه می‌دارد. این موقعیت را «دومینییک لاکاپر» به‌عنوان بازسازی سوزه پس از تروما می‌شناسد.

تروما آن چیزی نیست که دیده و در حافظه ثبت شده باشد، بلکه امری است که دیده و فهم نشده است و بعدها بازمی‌گردد. در این شعر نیز، فقدان‌های تاریخ رسمی، به شکل ارواح آوازخوان بازمی‌گردند. چنین مواجهه‌ای با تاریخ، گشودن زخم‌های التیام‌یافته است، تلاشی است برای اینکه تاریخ به‌جای خاطراتی کامل و مطلق، به تجربه‌ای ناگفته، گسسته و ناتمام بدل شود. در نتیجه، شعر سپانلو در عین نقد رادیکال خود به روایت غالب، در پایان راه، در را بر «احیای زندگی»، «تولد دوباره» و «حضور بهار» می‌گشاید. این امیدبخشی چون شعرگونه و غمناک نیست، به‌مراتب باورپذیرتر و شاعرانه‌تر می‌نماید. امیدی شکسته، انسانی و صادقانه است که از دل ویرانی برآمده.

بازخوانی این شعر در پرتو جنگ امروز معنایی دوگانه می‌یابد. از سویی، همچون جنگ با عراق، مرگ و سکوت را یادآوری می‌کند؛ از سویی دیگر، با تعلیق پایان‌بخش حذف‌شدگان بدل می‌سازد. صدهایی که جنگ آن‌ها را از میان برده اما شعر توانسته دوباره احیایشان کند. سپانلو در این شعر و در تضاد با تاریخ، حذف‌شدگان را انتخاب

سینما

درباره فیلم کوتاه «شهر شاعران» که روایتی ضدجنگ است

هیچ خونی سرخ‌تر نیست



محسن تیزروش | منتقد سینما

زبان اثر با شعر تنظیم شده و شاعرانگی فیلمساز به اوج خود رسیده که جنگ در درون آن رخنه کرده و همین سببی برای تغییر چهره شهر می‌شود. اکنون دیگر شاعری باقی نمانده که نامش را روی خیابان‌های جدید بگذارند. بسیاری از مردم آوارگانی هستند که دیگر از یاد شاعران غافل مانده‌اند و نام مردگان در شهر می‌چرخد. شهر درگیر نفرین جنگ شده و زبان شعر جایش را به بیان تند فرمانده فریاد می‌کشد «برید جلو و تترسید ، خدا با ماست.» اندکی بعد یکی از سربازان پس از نگاه کردن به محیط پیرامونی و ارزیابی شرایط جواب فرمانده را اینگونه می‌دهد «اگه خدا با ماست پس کی با اوناست که اینطور دارن مارو تیکه پاره می‌کنن؟» این شرح یک لحظه سینمایی نیست که رنگی از حقیقت شادی، رخ داده و گویی خرافات وارد میدان پس از جنگ شده. بعد از عنصر «شعر» حالا «زن» نیز در حصار شهری جنگ‌زده محصور می‌شود؛ و جنگ چنین بلایی است که می‌تواند یک شهر را فلج کند که در آن انسانیت در مسلخ پیچی به تماشای مرگ بنشیند. این فیلم کوتاه در میان صدها اثر داستانی و مستند یکی از طرفدارترین و خلاقانه‌ترین فیلم‌های ضدجنگ ایرانی‌ست که بسیار کم دیده شده.

سینمای ضدجنگ با هدف افزایش واقعیت‌های تلخ و پیام‌های ویرانگر، به چالش کشیدن تجلیل از جنگ و برانگیختن بینندگان به جهت زیر سوال بردن ضرورت و هزینه‌های انسانی آن ساخته می‌شود. این آثار اغلب غیرنظامیان و سایر افراد آسیب‌دیده را به نمایش می‌گذارند و طیف وسیعی از دیدگاه‌ها را در مورد تأثیر انسانی جنگ ارائه می‌دهند.

در این میان مستندهای ضدجنگ فراوانی نیز با هدف ارائه طیف وسیعی از دیدگاه‌ها، رفتن خاطرات خانوادگی را لمس کرده و بسیار هوشمندانه با استفاده از آرشيو شخصی، پیرنگ اصلی روایت را به یک هذات‌پنداری انسانی تبدیل می‌کند. فیلم «فرمی ساده» شهری را از نشان می‌دهد که بی‌تاب ساختن است و نام تمام خیابان‌ها به نام شاعران ثبت می‌شود. مردم شوق زیستن دارند و در عقل آنها خونی از شعر جاریست. همه چیز طبق روال در حرکت است که جنگ هشت ساله آغاز می‌شود و این رخداد تلخ، ماهیت شهر را تغییر می‌دهد.

هیچ جنگی برمدار عقل و منطق نچرخیده و نمی‌توان از سلاح‌های گرم انتظار آبادانی و خرمی داشت. در سال‌هایی که جهان با جنگ‌های مختلف شاهد از بین رفتن عشق و صلح و اخلاق بود، در سینما ژانر ضدجنگ بیش از پیش جاندار و ماندگار شد. سینما بهترین فضای فرهنگی و هنری موجود برای از بین بردن تقدس از هر جنگی است. یکی از آثار موفق این سال‌ها فیلم کوتاه «شهر شاعران» است که توسط «سارا رجایی» در بیرون از مرزهای ایران ساخته شده اما اثر، روزگار این سرزمین را درخشان تصویر می‌کند. مخاطب در هر کجای جهان که باشد با خط روایت این فیلم کوتاه همراه می‌شود زیرا فیلمساز به خوبی جنگ و از بین رفتن خاطرات خانوادگی را لمس کرده و بسیار هوشمندانه با استفاده از آرشيو شخصی، پیرنگ اصلی روایت را به یک هذات‌پنداری انسانی تبدیل می‌کند. فیلم «فرمی ساده» شهری را از نشان می‌دهد که بی‌تاب ساختن است و نام تمام خیابان‌ها به نام شاعران ثبت می‌شود. مردم شوق زیستن دارند و در عقل آنها خونی از شعر جاریست. همه چیز طبق روال در حرکت است که جنگ هشت ساله آغاز می‌شود و این رخداد تلخ، ماهیت شهر را تغییر می‌دهد.

در این میان مستندهای ضدجنگ فراوانی نیز با هدف ارائه طیف وسیعی از دیدگاه‌ها، رفتن خاطرات خانوادگی را لمس کرده و بسیار هوشمندانه با استفاده از آرشيو شخصی، پیرنگ اصلی روایت را به یک هذات‌پنداری انسانی تبدیل می‌کند. فیلم «فرمی ساده» شهری را از نشان می‌دهد که بی‌تاب ساختن است و نام تمام خیابان‌ها به نام شاعران ثبت می‌شود. مردم شوق زیستن دارند و در عقل آنها خونی از شعر جاریست. همه چیز طبق روال در حرکت است که جنگ هشت ساله آغاز می‌شود و این رخداد تلخ، ماهیت شهر را تغییر می‌دهد.

در این میان مستندهای ضدجنگ فراوانی نیز با هدف ارائه طیف وسیعی از دیدگاه‌ها، رفتن خاطرات خانوادگی را لمس کرده و بسیار هوشمندانه با استفاده از آرشيو شخصی، پیرنگ اصلی روایت را به یک هذات‌پنداری انسانی تبدیل می‌کند. فیلم «فرمی ساده» شهری را از نشان می‌دهد که بی‌تاب ساختن است و نام تمام خیابان‌ها به نام شاعران ثبت می‌شود. مردم شوق زیستن دارند و در عقل آنها خونی از شعر جاریست. همه چیز طبق روال در حرکت است که جنگ هشت ساله آغاز می‌شود و این رخداد تلخ، ماهیت شهر را تغییر می‌دهد.